

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۸
سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵ دیال

فقیه عالیقدر آیت الله منتظری:

اگر دانشگاهها تعطیلش طول بکشد و معلم و دانش در دانشگاهها نباشد، فاجعه است برای کشور ما

آیت الله العظمی منتظری: «از آن هیتی که از طرف امام تعیین شده اند، برای طرح انقلاب فرهنگی دانشگاهها، از آن هیئت می خواهیم که پیش از این اهمیت بدهند به این موضوع. اگر دانشگاهها تعطیلی طول بکشد و معلم و دانش در دانشگاهها نباشد، فاجعه است برای کشور ما. خوب است آن هیئت ۷ نفری که از طرف امام مشول تعویض طرح انقلاب فرهنگی شدند، این کار را در راس کارهایشان قرار بدهند... و انقلابی این طرح را تیه کنند که انشاءالله دانشگاههای ما شروع شود، دانشجویان عزیز در دانشگاهها علوم مختلفی که مورد احتیاج مسلمانانست، چه علوم اسلامی، چه علوم که برای دنیای ما احتیاج داریم (فراگیرند). حدود ۳۰ هزار پزشک کمبود داریم، مهندس آب، راه، ساختمان، سایر قسمتهای دیگر کاملاً در کشور احتیاج داریم. اگر از نظر علمی ما غنی نشدیم و وابسته باشیم، استقلال سیاسی برای ما پیدا نخواهد شد. وقتی ما استقلال سیاسی به تمام معنا داریم، که هم استقلال فرهنگی داشته باشیم، هم استقلال اقتصادی. بنابراین سعی کنند دانشگاهها زودتر شروع بکار کنند و دانشجویان عزیز مشغول تحصیل علم و کمال شوند و از دانشجویان می خواهیم که همتان فقط لیسانی گرفتن نباشد، جداً درس بخوانند.»

(از سخنان فقیه عالیقدر آیت الله العظمی منتظری، در خطبه اول نماز جمعه ۱۴ شهریور ۵۹ در قم)

ما تاکنون نظر اصولی خود را درباره ضرورت انقلاب فرهنگی در همه رشته های مربوطه، بویژه در بخش آموزش و پرورش، بیان داشته ایم و زبان تاخیر در آغاز به این مهم اجتماعی را متذکر شده ایم.

انقلاب فرهنگی، که بخشی بی مهم از انقلاب اجتماعی به مفهوم کلی آنست، دارای ویژگیها و قانونمندیهای خاص خود است، که از ماهیت فرهنگ ناشی میشوند. اگر انقلاب در بخش سیاسی (انتقال حاکمیت دولتی) در عرض مدت نسبتاً کوتاه (مثلاً یک یا دو سال) در یک سلطانه در یک شب صورت پذیر است، در بخش فرهنگ معنوی (که همه رشته های علوم دقیقه و علوم اجتماعی، فنون و مهندسی، هنرهای زیبا، آموزش و پرورش و غیره را فرامیگیرد) احتیاج به طرح برنامه های تفصیلی دراز مدت دارد.

هدف اصلی انقلاب فرهنگی پاکسازی همه رشته های فرهنگ از کلیه فساد و پلییدیهای فرهنگ استعماری و رژیم طاغوت، مردمی کردن فرهنگ از حیث مضمون و امکان دستیابی به آن است. البته در شروع باین مهم اجتماعی نباید تاخیر کرد.

در عین حال انقلاب فرهنگی نباید سبب تعطیل فرهنگ، از جمله دانشگاهها شود، زیرا زبان تمیز مراکز تحصیلات عالی و پژوهشهای علمی برای جمهوری اسلامی ایران بسیار است. مهمترین زبان آن تاخیر در امر تربیت و تدارک کادر متخصص لازم برای رشته های مختلف حیاتی کشور نظیر صنایع، ساختمان،

بقیه در صفحه ۸

شور انقلابی را فقط با تعمیق انقلاب میتوان حفظ کرد

یک مسئله حیاتی: آیا شور انقلابی تحکیم می شود یا بی تفاوتی گسترش می یابد؟

مسئله شور انقلابی یا بی تفاوتی نسبت به انقلاب، در بین ملیونها ایرانی، براساس یکی از حقایق ترین و تعیین کننده ترین مسائل انقلاب ماست. حجت الاسلام خامنه ای بحق این مسئله را در خطبه نماز روز جمعه مطرح کرد و ما، که بارها و بارها پیرامون این موضوع و علل بروز بی تفاوتی و گسترش آن و راههای تقویت شور انقلابی صحبت کرده ایم، کاملاً بیجا می شماریم که بر این سخنان امام جمعه تهران تکیه کم و اهمیت آنرا خاطر نشان سازیم. سرنوشته انقلاب ایران، در آخرین تحلیل، بدست توده های میلیونی، همانها که انقلاب را به انجام رساندند و بوزمه ستمناک ترین قدرت جهانی جهان را بناگذاشتند، تعیین خواهند شد. اساس مسئله اینجاست که اگر این توده های میلیونی با انقلاب، پشتیبان انقلاب و پیش برنده انقلاب باشند، هرگز هیچ دشمنی، هر قدر هم نیرومند و مکار باشد، نخواهد توانست انقلاب ما را دچار شکست سازد. و اگر این توده های میلیونی نسبت به آنچه که خورشاده اند، بی رغبتی که باشند، دلبرد و مایوسی و سرخورده شوند و ناامیدی بر آنها غلبه کند و نسبت به آنچه بر انقلاب ما و دستاوردهای آن و اهداف آن میروند، بی تفاوت گردند، یعنی برایشان علی السویه

شود که چه خواهد شد، آنوقت است که فاتحه انقلاب خوانده شده است و برای ضدانقلاب، برای امپریالیسم آمریکا و بازماندگان رژیم طاغوتی استعمار و ستم، بسیار آسان خواهد بود که بر کشور ما یک رژیم ضد انقلابی وابسته را حاکم سازند. پس برای انقلاب و آینده جمهوری اسلامی ایران اهمیت حیاتی دارد که در مردم ما، در میلیونها زحمتکش شهر و ده، شور انقلابی باقی بماند و هیچانی آینده ساز و تاریخ آفرین، تضمین کننده مشارکت فعال آنها در دفاع از انقلاب و سازندگی میهن باشند. از همین روست که هرگاه کوچکترین علامتی از بی تفاوتی و بیاداشی دلبردی وجود

علاقه پیدا شود، باید با کمال هشیاری زنگهای خطر را بصداد آورد و درسی علل بیاداشی آن برآمد و در جستجوی وسائلی بود که بر بی تفاوتی راه بریند و بر شور انقلابی افقهای سازمائی بکشاید.

واقع بینی انقلابی حکم میکند که ما، با چشمان باز و اصابع آرام، در عین حال با دل پر شور و عشق به انقلاب و سرنوشته آن، این حقیقت را به یقینیم که، در نتیجه انگیزه ها و علل مختلفی، اینجا و آنجا، در بین این یا آن قشر، در این یا آن ناحیه، محیط دلزدگی و بی تفاوتی می گراید و خطر از دست رفتن شور انقلابی که زره اصلی انقلاب ماست، بقیه در صفحه ۲

بار دیگر از زبان سخنگوی وزارت خارجه امریکا اعلام شد: امریکا ایران را نمیخواهد، نه «گر و گانهها» را

امام خمینی: ملت ما اکنون به شهادت و فداکاری خوی گرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطنه ای هراسی ندارد. بگذار این تفاله های تاریخ به اسام املا، بر ضد اسلام قیام کنند و به اسام گریز نکنند. این تازگی ندارد.

(از پیام امام خمینی به ملت ایران)

حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تهران: آمریکائی که شهیدان ۱۷ شهریور را کوبید، امروز میخواهد ایران را بکوبد

مسئله جنیان فاجعه های پی در پی و خونین یعنی بچه مظلوم کش و انسان برانداز آمریکا همچنان آماده است تا حلقوم این ملت را باز هم بفشارد. آسروزی آمریکا، اسرائیل، مزدوران خارجی، پیشوایان کفر، فاجعه گرهای ۱۷ شهریور را بوجود آوردند و امروز هم آنها در آنسوی مرزها زنده اند، امروز هم ما هدف و آماج گلوله های هستیم که آمریکای غارتگر جنایتکار و اسرائیل مزدورانش به سوی ما نشانه رفته اند.

در دومین سالروز جمعه خونین ۱۷ شهریور، توده های میلیونی بر مزار شهیدای گلگون کفن آرزوی پیمان بستند که تیرد با قاتلان آن شهید، یعنی امپریالیسم خونخوار آمریکا بقیه در صفحه ۸

ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهوری: من خطر اساسی را امریکا میدانم

حضور متعدد همه مردم این سرزمین در صحنه، ضامن بقای جمهوری و ضامن پیروزی ما و شکست توطنه های دشمن است.

به مناسبت بزرگداشت روز ۱۷ شهریور، مراسم دیگری در ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر دیروز در میدان شهدا برگزار شد. در این مراسم که دهها هزار تن از مردم تهران در آن شرکت کردند، رئیس جمهوری ابوالحسن بنی صدر، سخنانی ایراد کرد. وی در آغاز ضمن خوش آمد به حضار گفت: ... خطر واقعی است که شما

در صحنه نیابید. خطر واقعی است که شما مردان، شما انقلابیون دوران ساز، در صحنه نیابید. وی سپس در مورد شور انقلابی مردم گفت: «این حرکتی که شما می کنید... حرکتی است بیان کننده توانائی بسج این جمهوری. این حرکت، حرکتی است که باید بقیه در صفحه ۸



حزب توده ایران بدام تحریکات نخواهد افتاد

از چندین پیش نیروهای معینی، تحریف و تحریک و حمله و دشنام و اتهام نسبت به حزب توده ایران را آغاز کرده اند و ادامه میدهند تحریف در تاریخ حزب و سیاست کنونی آن، تحریک گروههای مترقه برای اشغال دفاتر حزب و مراکز فروش نشریات، تحریک، پیرونده سازی حملات ناجوانمردانه و ایراد

بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد

تلاش امپریالیسم امریکا در راه احیاء جنگ سرد محکوم به شکست است

صفحه ۲

کانون دانش آموزان ایران: از محیط آرام و سازنده در آموزش و پرورش دفاع کنیم

صفحه ۲

شیوه پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش تکران کننده است

صفحه ۶

ماهی جنوب، حتی در شهرهای جنوب هم نایاب است

صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در حالیکه هنوز پانزدهم مجلس شورای اسلامی ایران به نام فریکارانه نمایندگان کنگره امپریالیستی آمریکا تصویب نشده و تنها در جلسه علنی مجلس مطرح شده است، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام می کند: «امریکا حاضر نخواهد شد

بار دیگر از زبان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام شد: امریکا ایران را نمیخواهد نه «گروگانها»...

۱- امریکا از رویه پیشین خود در ایران، که مطابق نامه مجلس شورای اسلامی ایران، چیزی جز غارت و جنایت ملی حداقل ۲۰ سال گذشته نیست، به هیچ روی پیشیمان نیست.

۲- امریکا به گونه ای که ایران می خواهد، یعنی استرداد دارایی های شاه سابق و کسوتاه شدن دست امریکا از ایران، حاضر نیست حتی گامی در راه حل بحران بردارد.

۳- امپریالیسم آمریکا حتی معتقد به وجود تروتهای شاه سابق در بانکها و موسسات آمریکائی نیست و وقیحانه از ایران می خواهد که اگر سندی در دست دارد، تازه آنرا در یک دادگاه محلی آمریکا مطرح کند.

۴- در حالیکه در نامه مجلس شورای اسلامی ایران به موضوع تمام نقش کارتری و دولت او در جنایات چندسال گذشته ایران، قبل و بعد از انقلاب، تصویر شده، امپریالیسم آمریکا، رتدانه همه

و همه جنایات را به دولت های پیشین آمریکا نسبت می دهد. امپریالیسم یانکی باین ترتیب می خواهد ذات غارتگر و تجاوزکار خود را، که تغییرناپذیر است، بیوشاند و وانمود کند که ماهیت امپریالیسم آمریکا از دولتی به دولتی فرق می کند!

ولی مجلس شورای اسلامی ایران، با بررسی تاریخ مداخلات ایران رسماً اعلام میکند که همه روسای جمهوری و همه دولتهای آمریکا که از رژیم پهلوی پشتیبانی کرده اند، سرتوت یک کرباسی بوده اند و هدفی غیر از اجرای مقاصد امپریالیسم آمریکا نداشته اند.

و بعد از همه این دروغها، امپریالیسم آمریکا اعلام می کند که حاضر است با رژیم جدید ایران در مسود «روابط» و «اختلافات» در کشور به مذاکره بپردازد، اما بشرطی که «گروگانها» آزاد شوند!

دیگر روشن است که امپریالیسم آمریکا، علاوه بر آنکه نام یک ربع قرن غسارت و جنایت را «اختلافات» می گذارد، به هیچ روی

دلتی برای «گروگانها» نسوخته است و در این مورد حتی حاضر نیست گامی بچلو بگذارد. در سخنان سخنگوی وزارت خارجه آمریکا بار دیگر این واقعیت فریاد زده میشود که:

امریکا ایران را میخواهد نه «گروگانها»!

امریکا حتی وجود تروت شاه سابق را، در آمریکا قبول ندارد، چه برسد به پس دادن آن تروت... اینها همه از دیدیهیات سیاست امپریالیسم آمریکاست، که بار دیگر تأیید میشود.

اما در این میان نکته ای هست که باید به آن توجه کرد. به نظر میرسد که این واکنش سریع امپریالیسم آمریکا در قبال نامه مجلس، که هنوز در جهان منتشر نشده و مردم دنیا از مضمون آن آگاه نیستند، خنده دار و بی اعتبار کردن آنست. ضمناً ظاهراً هدف اینست که با موضع گیری سریع، نامه را پاسخ داده تلقی کنند و احتمالاً مجلس را از فرستادن آن پشیمان سازند.

سلباً مجلس شورای اسلامی ایران، با تصویب سریع و ارسال نامه، این نقشه را نقش بر آب خواهد کرد و از سفارتخانه های ایران در کشورهای جهان، خواهد خواست که این نامه را در همه کشورهای جهان منتشر کنند و اقدامات لازم برای آشناساختن افکار عمومی جهان با محتوای اساسی ضد آمریکائی آن بعمل آورند.

به زبانهای فارسی، آذربایجانی و کردی پخش کرده است. هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب تود ما ایران در گزارش سیاسی خود به پلنوم شانزدهم (اسفند ۱۳۵۷) در تأیید امام خمینی نوشت:

«... برخی از روحانیون مرفقی به رهبری آیت الله خمینی طی یک دوران طولانی در مواضع روشن ضد رژیم استبدادی شاه و ضد سيطرة امپریالیسم قرار گرفتند و در این راه شعارهای خود را که بازتاب خواستهای اکثریت مردم کشور بود مطرح ساختند»

حزب توده ایران در اسناد مصوب خود، انقلاب ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و خلقی ایران را چنین ارزیابی کرد:

«... با پیروزی مردم ایران در این نبرد تاریخی و با پیدایش ایرانی مستقل و آزاد، یک نمونه روشن دیگر در برابر خلقهای محروم آن کشورهایی که هنوز زیر نظام امپریالیسم و ارتجاع اند، تجلی میکند و به آنان ندا می دهد: خلقها! یاختیزید! شجاعتی روی

آنها دارید که امپریالیستهای غارتگر و مزدوران تود و فاسدشان را با مبارزه و پایداری قهرمانانه خود بزانو در آورید و رانندگی آزاد و مستقل و خوشبخت را در برابر خود بگشایید»

بدینسان، ما زمانی از روحانیت مبارز و مرفقی جانبداری کردیم که هنوز با احراز حاکمیت سلباً فاصله داشت؛ روزی انقلاب ایران را انقلابی ضد امپریالیستی ارزیابی و از آن حمایت کردیم که هنوز در نخستین یا آن پیروزی بود و شماره بعد از توت آمریکاست، به فعل آمده بود.

تأیید ما از انقلاب، علاوه بر به تثبیت و تحکیم آن و پشتیبانی سادفانه ما از جمهوری اسلامی ایران از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی نه حسابگرانه است و نه مانور تبلیغاتی، بلکه از آنجاست که این انقلاب و

این خط، ما را به راه ما، چراغ راهمای ملت و این ایمان چنان خواست که ما را از لغزیدن و انحراف مصون خواهد داشت.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

شور انقلابی...

بقیه از صفحه ۱

هویدا میشود. بر ماست که متوجه باشیم، کدام یک از اقدامات و از عمل دستهای ناپاک ضد انقلاب و خرابکاریها و کارشکنی هاست و چگونه باید با آنها مقابله کنیم. همچنین بر ماست که متوجه باشیم، کدام یک از اقدامات و تدابیر و تصمیمات مقامات مسئول و نهادها و شخصیت های دست اندرکار و یا گروهها و اشخاصی که بنام انقلاب و در زیر نام آنها عمل میکنند، موجب این دلسردی و ناامیدی و بی تفاوتی میشود، و در این صورت هم راه رفع و جبران آنها را، که صرف نظر از انگیزه و بهانه و صرف نظر از تصدیق بودن و یا ناآگاهانه بودن، ثمری جز همان بی تفاوتی انقلاب شکن ندارد، بیابیم.

حجت الاسلام خامنه ای بدرستی توجه همگان را، چه در مقامات مسئول و سطوح بالای کشور و چه عامه مردم، باین نکته جلب میکند و میگوید:

«وظیفه ما اینست که کوشش کنیم حالت بی تفاوتی نسبت به انقلاب و سرنوشته انقلاب در مردم بوجود نیاید»

آری، این وظیفه بسیار مهمی است و دارای ابعاد بسیار وسیع سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی و اخلاقی و معیشتی و رفاهی و غیره است.

کوشش برای جلوگیری از بوجود آمدن حالت بی تفاوتی، عبارتست از ایجاد شرایط مساعد برای تحکیم و پیشرفت انقلاب - تنه ازم جلوگیری از پوسیدگی و فروپاشی آن.

در واقع امر، هدف عمده تمام برنامه های عملی که دولت جمهوری اسلامی ایران در دست اجرا خواهد داشت و تمام قوانین و مقرراتی که مجلس شورای اسلامی وضع خواهد کرد و تمامی مجید و کوششی که مقامات مسئول از رئیس جمهوری تا مسئولان قوه قضاییه، از ادارات دولتی تا نهادهای انقلابی، بعمل خواهند آورد، چیزی جز این نیست:

راه حفظ شور انقلابی و آمادگی توده میلیونی برای دفاع از انقلاب، فقط و فقط راه تعمیق و پیشبرد انقلاب و عملی ساختن اهداف بزرگ مردمی آن است.

ارزیابی درست حجت الاسلام خامنه ای حاکی از آنست که: «دشمنان بجمده الله هنوز در موارد بسیاری در مردم بی تفاوتی نیست... ما احساس میکنیم که چطور شور و هیجان انقلابی در این مردم هنوز زنده است».

آری، علیرغم مشکلات فراوان در کار و زندگی مردم و ناخنجاری های پر شمار در گذران روزمره و دشواریهای عدیده در حیات اقتصادی و اجتماعی، علیرغم تبلیغات سلب آسای دشمن و شایعات مغرب بشمار، علیرغم کارشکنی های عمدی و ندانم کاری های اسفناپار غیر عمدی، واقعیت اینست که هنوز دموارده بسیاری در مردم بی تفاوتی نیست. چرا؟ زیرا در خطوط اساسی خود انقلاب ما به پیش میرود، جهت ضد امپریالیستی آن با رزت و محکم تر میشود و امریکائی جهانخواه را در تنگنا قرار میدهد و جهت خلقی آن بیشتر از پیش خود نمایانند و زالوهای غارتگر، سرمایه داران بزرگ و زمینداران کلان را هدف قرار میدهد.

علت تداوم این شور انقلابی در آنست که مردم زحمتکش انقلابی ما شاهدند که اگر هنوز به استقامت های حقه خود ترمسیده اند، اگر هنوز پیاسخ بسیاری از سئوالهاستان مجهول است، اگر هنوز سازشکاریها یا فرصت طلبیها، انحصار جوشها یا ناسبگیریها، قدمها راست میکنند، اگر هنوز قدرت تشخیص دوست از دشمن، انقلابی از ضد انقلابی، مدافع جمهوری اسلامی ایران

از خرابکار، متاسفانه در بسیاری محافل و شخصیتها دیده میشود. با این حال، نبرد با شیطان بزرگ امریکا و دفاع از توده مستضعف همچنان خط عمده است. و این است آنچه امیدها را در قلوب زنده نگه میدارد، مشکلات و دشواریها را قابل تحمل میکند، تبلیغات دشمن را رسوا و شایعات را خنثی میسازد، وجود و تداوم این خط عمده است که شور و هیجان انقلابی را هنوز زنده نگه داشته و جلوی بی تفاوتی را در موارد بسیاری گرفته است.

این شور و هیجان میتواند عظیم تر و بزرگتر و کارسازتر و خلاق تر و آیند مسازتر باشد اگر مقامات مسئول جمهوری تدابیر و تصمیمات لازم را جهت رفع نابسامانیها و تدوین برنامه عملی لازم، با تأمین اتحاد و همکاری کلیه قوای انقلابی کشور و مبارزه کردن همه نیروهای خلاقه انقلابی، صدیق و متمدد اتخاذ میکنند.

در انصورت شور و هیجان مردم به آنچنان نیروی عظیم و سیر نفوذناپذیری تبدیل میشود که هرگز هیچ دشمن خارجی و یا داخلی نمیتوانست حتی تصور خنده دار کردن جمهوری ما را در مغز ناپاک خود بیوراند.

شور انقلابی خوشبختانه هنوز ناپدید نشده و وظیفه ما و مسئولیت ماست که آنرا پایدار و مستحکم و دائمی کنیم. چنان عمل کنیم که در همه موارد، بدون استثنا، بی تفاوتی از میان مردم زحمتکش و نیروهای انقلابی صدیق و ضد امپریالیست مردم گرا رختیرینند و شور انقلابی همواره به قوه محرکه ای، برای پیشبرد اجتماع و برای سرکوب ضد انقلاب، بدل شود.

وقتی يك روز موضعگیری نمایندگان مجلس توجه میکند (جلسه علنی پنجمین ۱۳ شهریور ۵۹) میبندد که نماینده تهران از لزوم سیج میلیونها مردم، برنامه ریزی دقیق، بیرون ریختن عناصر ضد انقلاب، قطع دست واسطه ها، ملی کردن صد در صد بازرگانی خارجی و تقویت سپاه پاسداران صحبت میکند و میگوید:

ما با امپریالیسم در هیچ شرایطی نمیتوانیم از در سازش در آیم. نماینده محلات میگوید: باید تمام نیروهایمان را برای درهم کوبیدن توطئه ها بکار ببریم، سپاه پاسداران را تقویت و عناصر ناپاک را از آن صیغه کنیم.

نماینده پتدرعیاس میگوید: ما نمیتوانیم غافل شویم که دشمن ما شیطان بزرگ امریکا است و تمام فلاکتها و بدبختیها از امریکا و سلطه شوم وی بر مردم بوده است.

و نماینده رفتجان میگوید: قطع رابطه با قدرت استعمارگران کینه موجبی است برای استقلال و اتکله به خود... باید هر چه زودتر وسائل تولیدیه صاحبان اصلی اش، که سالیان سال از داشتن آنها محروم بودند، سهرده شود.

همین موضعگیری هاست که در دل مردم امید و شور میافزیند هر تصمیم عملی و گام عملی تدبیر اجرایی، که برای تحقق این موضعگیریها مردمی و صدیق امپریالیستی گرفته و برداشته شود، آتش شور و هیجان انقلابی را صدچندان خواهد کرد، و هر تصمیم و اقدامی که ناخبرانه و اتفاقیانه و کوتاه نظرانه و نفاق افکنانه و ... گرفته و انجام شود، در جهت عکس عمل خواهد کرد، بزنارضائی و دلردگی و در نهایت بی تفاوتی مردم خواهد افزود، و این درست همان چیزی است که ضد انقلاب خواهان و مترصد آن است.

مسئولیت و وظیفه ملت که داغ این آرزو را بر دل سپاه ضد انقلاب پشیمان،

در حالیکه هنوز پانزدهم مجلس شورای اسلامی ایران به نام فریکارانه نمایندگان کنگره امپریالیستی آمریکا تصویب نشده و تنها در جلسه علنی مجلس مطرح شده است، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام می کند: «امریکا حاضر نخواهد شد

۱- امریکا از رویه پیشین خود در ایران، که مطابق نامه مجلس شورای اسلامی ایران، چیزی جز غارت و جنایت ملی حداقل ۲۰ سال گذشته نیست، به هیچ روی پیشیمان نیست.

۲- امریکا به گونه ای که ایران می خواهد، یعنی استرداد دارایی های شاه سابق و کسوتاه شدن دست امریکا از ایران، حاضر نیست حتی گامی در راه حل بحران بردارد.

۳- امپریالیسم آمریکا حتی معتقد به وجود تروتهای شاه سابق در بانکها و موسسات آمریکائی نیست و وقیحانه از ایران می خواهد که اگر سندی در دست دارد، تازه آنرا در یک دادگاه محلی آمریکا مطرح کند.

۴- در حالیکه در نامه مجلس شورای اسلامی ایران به موضوع تمام نقش کارتری و دولت او در جنایات چندسال گذشته ایران، قبل و بعد از انقلاب، تصویر شده، امپریالیسم آمریکا، رتدانه همه

حزب توده ایران...

بقیه از صفحه ۱

انتهای ناپایا به حزب، رهبران و اتضله آن

این تحریف و حمله و دشنام و اتهام همیشه و در همه جا از سوی گروههای غیرمسئول نیست که تحمل آن آسانتر مینماید. متاسفانه گاه از سوی برخی عناصر مسئول است که درد تحمل آن دشوارتر میشود. این هر دو، کوشی سوگند یاد کرده اند که در بی هر دشنام بحق به امپریالیسم غارتگر، دشنامی ناحق نثار حزب توده ایران کنند و در هر حمله حمله ای ناحق به حزب طبقه کارگر ایران، این پشتیبان صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمایند.

در آنچه مربوط به تاریخ حزب و سوابق مبارزاتی ماست، این نیروها متاسفانه هیچ نوتی را بجای کینه نشانندمانند و همان چیزی را به کرات، تکرار میکنند که طی سالیهای سلطه خاندان پهلوی، ماوزان شهریانی و کارآگاهی ستازی و سرتی در تری، فرمانداران نظامی و ساواک تیمور بختیار و نصیری، سازمان جاسوسی سپاه و «موساد» ساخته و منتشر کرده اند. جای تأسف نیست که گروه های ضد انقلابی پسریان راه بختیارها و آزموده ها، نصیری ها، باشند، اما جای تأسف است که برخی عناصر انقلابی، که خود قربانیان زورگویی و تعدی و فشار آن رژیم دوزخی و سازمانهای جاسوسی آن بوده اند، بدام تبلیغات آن درباره حزب ما گرفتار آیند، دروغ را راست بنده اند و بر اساس آن تحریف تاریخی آگاهانه حزب توده ایران را ناآگاهانه «مجرم بالظرف» و مسئول مستقیم تمام شکستهای جنبش انکارند.

ظلمت حرمه حمله و دشنام و اتهام به حزب توده ایران آنست که سرانجام گسسه صبر ما را لرزین سازند و ما را که همواره پشتیبان خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی و حامی یکپس انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بودیم، و هستیم از راه راست

حزب توده ایران نه فقط پس از پیروزی انقلاب، بلکه سالها قبل از پیروزی، هنگامی که امام خمینی در تبعید نجف بودند، از مبارزه درخشان ایشان و روحانیت مبارز مرفقی پشتیبانی کرده است. گواه این امر شماره های روزنامه مردم است، که اعلامیه های امام خمینی را تأیید و در مقیاس وسیع پخش کرده است. گواه این امر گفتارهای رادبوی يك ایران، رادبوی حزب ما در دوران مهاجرت است، که در تأیید خطابه ها و بیانیه های امام خمینی دهها گفتار

حزب توده ایران نه فقط پس از پیروزی انقلاب، بلکه سالها قبل از پیروزی، هنگامی که امام خمینی در تبعید نجف بودند، از مبارزه درخشان ایشان و روحانیت مبارز مرفقی پشتیبانی کرده است. گواه این امر شماره های روزنامه مردم است، که اعلامیه های امام خمینی را تأیید و در مقیاس وسیع پخش کرده است. گواه این امر گفتارهای رادبوی يك ایران، رادبوی حزب ما در دوران مهاجرت است، که در تأیید خطابه ها و بیانیه های امام خمینی دهها گفتار

حزب توده ایران نه فقط پس از پیروزی انقلاب، بلکه سالها قبل از پیروزی، هنگامی که امام خمینی در تبعید نجف بودند، از مبارزه درخشان ایشان و روحانیت مبارز مرفقی پشتیبانی کرده است. گواه این امر شماره های روزنامه مردم است، که اعلامیه های امام خمینی را تأیید و در مقیاس وسیع پخش کرده است. گواه این امر گفتارهای رادبوی يك ایران، رادبوی حزب ما در دوران مهاجرت است، که در تأیید خطابه ها و بیانیه های امام خمینی دهها گفتار

حزب توده ایران نه فقط پس از پیروزی انقلاب، بلکه سالها قبل از پیروزی، هنگامی که امام خمینی در تبعید نجف بودند، از مبارزه درخشان ایشان و روحانیت مبارز مرفقی پشتیبانی کرده است. گواه این امر شماره های روزنامه مردم است، که اعلامیه های امام خمینی را تأیید و در مقیاس وسیع پخش کرده است. گواه این امر گفتارهای رادبوی يك ایران، رادبوی حزب ما در دوران مهاجرت است، که در تأیید خطابه ها و بیانیه های امام خمینی دهها گفتار

حزب توده ایران نه فقط پس از پیروزی انقلاب، بلکه سالها قبل از پیروزی، هنگامی که امام خمینی در تبعید نجف بودند، از مبارزه درخشان ایشان و روحانیت مبارز مرفقی پشتیبانی کرده است. گواه این امر شماره های روزنامه مردم است، که اعلامیه های امام خمینی را تأیید و در مقیاس وسیع پخش کرده است. گواه این امر گفتارهای رادبوی يك ایران، رادبوی حزب ما در دوران مهاجرت است، که در تأیید خطابه ها و بیانیه های امام خمینی دهها گفتار

حزب توده ایران نه فقط پس از پیروزی انقلاب، بلکه سالها قبل از پیروزی، هنگامی که امام خمینی در تبعید نجف بودند، از مبارزه درخشان ایشان و روحانیت مبارز مرفقی پشتیبانی کرده است. گواه این امر شماره های روزنامه مردم است، که اعلامیه های امام خمینی را تأیید و در مقیاس وسیع پخش کرده است. گواه این امر گفتارهای رادبوی يك ایران، رادبوی حزب ما در دوران مهاجرت است، که در تأیید خطابه ها و بیانیه های امام خمینی دهها گفتار

تلاش امپریالیسم امریکا در راه احیاء «جنگ سرد» محکوم به شکست است

«جنگ سرد» همیشه موضوع قدرت و تسلط بین المللی و اعمال سیاست از موضع قدرت علیه کشورهای سوسیالیستی، بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی، بوسیله یسره های انگلوساکسون، آمریکا و انگلیس، و نقش پررنگی در سیاست بین المللی و در عرصه های ژنرال و جان فوستر دالی، بنیان گزاری شد.

این ضرورت سنگینی بود بر آرزوهای دور و دراز پیلوونها جوان شهید در جریان جنگ دوم جهانی علیه فاشیسم، بر آرزوهای دور و دراز خلقهای جهان که تصور می کردند، پس از شکست شد خونخوار هیتلریسم، تاریخ بشر وارد مرحله تازه ای می شود و همکاری بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز خلقها و نظامها در کنار هم، عصر صلح پایدار را در جهان پدید می آورد.

خیلی زود معلوم شد که سرمایه داری جهانی از تابع جنگ دوم جهانی بکلی عصبانی است و می خواهد در آن تجدیدنظر کند. سرمایه داری جهانی و بر راس آن سرمایه داری امپریالیستی انگلوساکسون، در مورد جنگ دوم جهانی، کورجیوانده بود. صورتی این بود که خواهد توانست بدست «ورماخت» (ارتش هیتلری) که زرادخانه همه اروپا را در اختیار داشت، اتحاد شوروی را خرد کند و سپس بلافاصله بر رژیم هیتلر، که در جنگی سخت و خونین با شوروی ضعیف شده بود، بتازد و سرانجام آن را به یک تیر دو نشانه بزند: هم از اقتصاد شوروی و هم از شر رقیب فاشیستی خود را خلاص و جهان را یکپارچه سازد.

تجربه طولانی انگلستان طی چند قرن در تاریخ اروپا و نبردش با اسپانیا و فرانسه و پرتغال و روسیه و ترکی و المان قیصری او را به اثربخشی سیاست خود مطمئن کرده بود. آمریکا و انگلیس تردید نداشتند که در بازی خود پیروزند. آنها تشکیل جبهه دوم در اروپای غربی را، علم رغب خواست نیرومند افکار عمومی جهان، با یورش همگامی می انداختند و بقول خود به اتحاد شوروی کمک تسلیحاتی میکردند تا در مقابل تجاوز هیتلری بهتر ایستد (این در دهه های ۳۰ و ۴۰ از مجموعه تسلیحاتی است که مورد استفاده ارتش شوروی در جنگ دوم جهانی قرار گرفت).

ولی حسابهای آقایان غلط از آب درآمد و چه بسیار حسابها که غلط از آب در می آید! اتحاد شوروی نه تنها مغلوب نشده، نه تنها در هر فاشیستی را از اراده خود راند، بلکه آنرا عقیب گران، در گناه این دده، یعنی برین تابود ساخت و از جهت نفوذ معنوی و سیاسی به قدرت درجه اول میل شد.

در دوره پیروزی اتحاد شوروی مسلم بسود، آمریکا و انگلیس جبهه دوم را تشکیل دادند تا به

مصادف حاجی ما هم شریک، از ثمرات پیروزی بهره مند شوند و نیز در این موقع بود که با وجود مخالفت روزولت با کاربرد بمب اتمی ترسناکترین ابزار دست نشانده حرفشوری دستور می دهد، سیصد هزار تن اهالی بیگناه شهرهای ژاپنی هیروشیما و ناگازاکی با انکندن نخستین بمبهای اتمی خاکستر گردند و سرانجام در این موقع بود که چرچیل در نطق معروف خود در تهر «فولتن»، ضرورت تبدیل همکاری با شوروی را به مقابله اعلام میدارد و سپس «بیان آتلانتیک شمالی» (ناتو) منعقد میگردد و سیاست «جنگ سرد» بوسیله جان فوستردالی وزیر امور خارجه آمریکا اعلام میگردد: سیاست از موضع قدرت!

سیاست جنگ سرد، که در مجمع بین المللی آتلانتیک، بشکل رسمی، در سال ۱۹۴۹، سیاست جهان سرمایه داری به لیدی آمریکا قرار گرفت، تا اوایل سالهای هفتاد، بدون انتطاع ادامه یافت. طی این مدت تسامح و فوجت سرمایه داری و بر راس آن امریکا آمریکا هر چه بود و قدری را که فرانس استاره یاد گرفته بود، در هر سه های سیاسی، اقتصادی، جاسوسی، نظامی، علمی و فنی، ایدئولوژیک و غیره بکاربرد، برای آنکه کشورهای سوسیالیستی را نابود کند، در میان آنها تفرقه بیندازد، جلوی جنبشهای رهائی بخش ملی و فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی را بگیرد، جهان را به جائیزم سرمایه داری بکشد، اندیشه علمی مارکسیسم-لنینیسم را با سدی از خصومت، سفلی و دروغ زویر و سازد و غیره و غیره. این تفرقه ایست و تسامح خون آلود، سازه غریبه و غیره. این تفرقه ایست و تسامح خون آلود، رهبری آمریکا، در این تفرقه ایست و تسامح خون آلود، نداشت. آنها توانستند بفر نفاق بیافشاند، در کشور های سوسیالیستی جریانهای ضد انقلابی برای اندازند، جنبشهای رهائی بخش را در کشورهای متعددی سرکوب کنند و مسابقه تسلیحاتی بی سابقه ای در تاریخ بسراه اندازند (مسابقه تا سال ۱۹۴۵ تا امروز مجموعاً ۶ تریلیون دلار (!) صرف تسلیحات شده است).

روزی که این کابوس خاتمه یابد، آنگاه معلوم خواهد شد که چه توطئه عظیمی بدست امپریالیسم جهانی و سازمانهای جاسوسی و نظامی آن، برای حفظ منافع غارتگرانه بهره کشی سرمایه داری، علیه منافع خلقها، ترتیب داده شده بود، که یک گوشه کوچک آن رژیم شاهنشاهی - ساواکی محمدرضا پهلوی در ایران بود. این داستان است در کارنامه و ذرینه بشری می رماند. و پس از آنکه شانتاز اتمی و هسته ای شکست خورد و پس از ناکامیهای اولیه آمریکا در تکنیک موشک و

تصرف فضا، و بعد از آنکه روشن شد که اتحاد شوروی و متحدینش از زیر آوار سنگین جنگ قد راست کرده اند و به قدرتی انکارناپذیر بدل شده اند، عاقلترین سیاستمداران جهان سرمایه داری، درباره خردمندانه پیرون سیاست دوزخی «جنگ سرد» در مقابل سیاست انسانی «همزیستی مسالمت آمیز سیستم های اقتصادی - اجتماعی مختلف در شرایط صلح و حل اختلاف از طریق مذاکره و مسابقه صلح آمیز» دچار تردید شدند. کسانی مانند فولبرایت و رسما اعلام داشتند که این سیاست دولت بی دورنماست. در اوایل دهه های هفتاد دولت نیکسون-کیسینجر از یکطرف تحت این فشار و از طرف دیگر نیکسون-کیسینجر با حسابهای خاص اعلام داشت که عصر «مقابله گذشته و عصر «مذاکره» در رسیده است. این از طرف نیکسون-کیسینجر فقط یک «کلک» تاکتیکی برای کسب فرصت بود. امپریالیسم احساس میکرد که در مسئله نظامی برتری گذشته را از دست داده است و سبب آن نیز موضع اقتدار «فرست» بود. این امر از جهت دیگر نیز بویژه برای امپریالیسم آمریکا ضرر شده بود. شکستهای فاجعی آمریکا در ویتنام او را ذله و فرسوده کرده بود. جنگ ویتنام عادل درونی جامعه آمریکا را بهم میزد. میبایست از این وضع خود را نجات داد و نفس تازه کرد. همه این ملاحظاتی که آمریکا را واداشت، چنانکه گفته شد، سالوسانه و بدون ملاحظاتی در صدقات و تنها به قصد انتهاز فرست، به اصل مذاکره روی خوش نشان دهد، دو فرمونگر امتحان داده آمدند. یالیم نیکسون و کیسینجر مامور اجرای این نقشه شدند. طی این مدت، اتحاد شوروی، که در مواضع منطقی و انسانی عادی خود قرار داشت، موفق شد از شرایط مساعد پیش آمده حداکثر استفاده را بسود صلح و خلقها بکند و اوج این جریان، کنفرانس و اعلامیه هلسینکی است.

در این فاصله امپریالیسم آمریکا و متحدینش با حرارتی فراوان کوشیدند تا با اصلاح جنگل تسلیحاتی را بر کنند و بقول خود چاره نوع سلاح جدید هسته ای و عادی بسازند و بجهت تسلیحاتی با قبول شکستی ننکن خاتمه دهند. وقتی امپریالیسم خود را آماده یافت، نیکسون راه، که برای حفظ ریاست جمهوری خود سر - سخنی بنام می داد، با توسل به حادثه «واتر گیت» از صحنه بدر کرد. (از این نوع «مذاکره» امپریالیسم علیه همه نوکرانش دارد، که در موقع ضرورت رو می کند). جرالد فورد بمنوان «رئیس جمهور منصوبه سر کرد» آمد و از مذاکرات معروف به مسالمت راه، که در مورد محدود کردن موشکهای دوربرد هسته ای بین آمریکا و شوروی جریان داشت، ترمز کرد. با آمدن کلرتر و برژیسکی رونق برگشت و فصل جدیدی از «جنگ سرد» آغاز شد.

تمام کوشش دولت کلرتر-برژیسکی تا این ساعت - در این راه صرف شده است که اتحاد شوروی و متحدان جهانی او را به عقب نشینی وادارد، برتری نظامی را برای آمریکا تأمین کند، رهبری آمریکا را در جهان سر - مایه های تحکیم نماید و دلار را دوباره بر تخت قدرت بنشاند.

برای اجرای استراتژی نوین جنگ سرد، کلرتر-برژیسکی از هر بیانه ای، استفاده کردند: گاه گفتند

که کویا در امور افریقا مداخله می کند. گاه گفتند که اتحاد شوروی در کویا نیرو بیاده کرده است. گاه مانند زمان مسدود شدن کویا ایران بگوید کمونیست ها می افتد؟! و گاه گفتند که اتحاد شوروی افغانستان را «اشغال کرده» و امروز درباره حوادث لیستان جنجال بر پا می کنند! یعنی اسلوبهایی که به اندازه خود امپریالیسم کهنه است.

در این فاصله کلرتر - برژیسکی سابقه تسلیحاتی را به اوج رساندند. تا سال ۱۹۸۵ آمریکا بیش از یک میلیارد دلار دیگر صرف تسلیحات خواهد کرد. آمریکا، با استوفاد از خیانت چین می گوید حضور واشنگتن - بست و بند نتکن کمپیوید را برای انداخته. آمریکا با استفاده از خیانت چین می گوید حضور واشنگتن - یکن - توکیو را بوجود آورد. آمریکا علیه هند و افغانستان و ایران بمبست ضیاعالمنق و انواع مزدوران خود توطئه می کند. آمریکا در اقیانوس هند و عمان حضور توطئه خود را بشکل بی سابقه ای تشدید کرده است. تبلیغات جنگ سرد و مبارزه با اصلاح ایدئولوژیک، که از جانب امپریالیستها و عمال رفکارکشی هرگز جز بهتان زدن، دروغ گفتن و سفلیه یافتن نبوده است و نیست، بشکل عجیبی تقویت شده است.

ولی در تمام این «توپ و تشرای» امپریالیستی، هر اس و سرگردانی عمیق او نیز احساس میشود. زیرا زمین زیر پای امپریالیسم می لرزد، زیرا امپریالیسم سرزمینهای جدیدی را که زیر سلطه او بوده اند، از دست داده است، زیرا خلقهای دیگری در حال آزاد شدن از زیر سلطه امپریالیسم اند.

ببین جهت با اطمینان میتوان گفت که اگر دور اول جنگ سرد، که بوسیله چرچیل مدالی آغاز شد، بر نتیجه بوده، مسلوب دانید که دور دوم جنگ سرد که بوسیله کلرتر-برژیسکی برپا افتاده است، نیز بر نتیجه خواهد بود. اگر این بار هم جتک امریکا پیروز شود، سال خواهد کشید، چون آن عاشر جتک امریکا پیروز شود، سالهای هشتاد (۱۹۸۰ - ۱۹۹۰) سالهای سرنوشتی است. در این سالها باید دکترین کلرتر-برژیسکی برای تأمین لیدی آمریکا و برتری نظامی راه را به همی بکشاید و یا باید آتین صلح و همزیستی و همکاری بین المللی پیروز شود.

ما معتقدیم که این دومی راه را پیش خواهد گشود زیرا حق است. درست است که در تاریخ ناحق به پیروزیهای اخیر خود، ولی موفق است. سیر تاریخ بشر طی قرنهای اخیر بسود، شیطنت دروغناک و هشتر عدالت اجتماعی و حقیقت علمی را نشان میدهد. شریفترین زنان و مردان جهان در این جبهه عدل و حق ایستاده اند. انقلاب سدامریالیستی و خلقی ما به رهبری امام خمینی نیز در این جهت در مقابل شیطان بزرگ آمریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران، موضع گرفته است.

اگر در دور اول جنگ سرد، امپریالیسم علیه مردم قدر قدرته بودن خود، شکست خورد، در این دور دوم، که بسیاری از مواضع پیشین را از دست داده است، شکست ناگزیر برتر است. لذا ما در پاسخ اینکه آیا کلرتر - برژیسکی قادر خواهند بود جرح تاریخ را با بازوهای ناتوان دلار بمقرب بازگردانند می گوئیم: نه، هرگز!

ماهی جنوب حتی در شهرهای جنوب هم نایاب است

همراه با افزایش روزافزون قیمت ها در بازار، شاهد کمیابی و گرانی ماهی نیز هستیم. شهرهای جنوب، که همواره با وفور ماهی روبرو بوده اند، طی دو سال گذشته کمبود این ماده غذایی را درآرزفته بازار گوشتی، بشکل درناکی تجربه کرده اند. گوشت ماهی، که یکی از مناسب ترین مواد غذایی برای جانشین شدن با گوشت است، در گذشته، بویژه بخاطر قیمت ارزانش، از این نظر بسیار مورد استفاده قرار می گرفت. ماهی در عین حال از جمله غذاهای سنتی مردم خوزستان است. می توان دهها نوع غذا را نام برد، که با استفاده از گوشت ماهی، با کیفیت های مختلف، بسرفره مردم زحمتکش این منطقه از کشور ما جای می گیرند. باتوجه به این نکات، می توان تأثیرهای خالی این ماده غذایی را در بازار محسوس کرد. برای بررسی وضع فروش ماهی در بازار جنوب کشور، خبرنگاران «مردم» گزارش زیر را از بازارهای فروش ماهی خوزستان تهیه کرده اند.

تعداد انواع ماهی، که از دریا جنوب صید و به بازار عرضه میشود، بسیار است. انواع همول آن در حدود ۱۵۰ نوع است، که بشکل بیخ زده و تازه در بازار و بیخ سرد است. اشکال همول ماهی است، و گرنه تازه و بیخ زده آن به یک نسبت مصرف میشود. انواع گوناگون ماهی، که از دریا جنوب صید و قیمت بازار خاص خود را دارند. از این نوع دریا ماهی - بسته به میزان درآمدشان - مصرف کننده نوع خاص ماهی هستند.

قیمت انواع ماهی - با کیفیت بهتر، از نوع درجه یک، با قیمت رسمی شلالت، به ترتیب زیر است:

زبیدی	شوریده	صبور	
تازه	۲۸۰	۲۵۰	۲۸۰
بخزده	۲۰۰	۱۶۰	۲۰۰

راههای مناطق بالای شهر است، با کیلویی ۵۰ تومان! ماهی «صبور» که در سالهای گذشته حداکثر جفتی ۵۰ ریال بفروش میرسید، اکنون هر جفت ۸۰۰ ریال است، تازه اگر بپزاید شود! البته خریداران هم که سر مزاجند بالای شهر می آورند و از نوعی خرید می کنند، چندان از این قیمت هاد رفتار نمی کنند. انواع نامرغوب ماهی در سایر نقاط شهر با قیمت «مناسب» حال متصفین توسط دستفروشان عرضه میشود.

سایر انواع ماهی نیز، گرچه از نظر قیمت در سطح پایین تری قرار دارند اما با توجه به طعم و کیفیتشان، نمی توان آنها را «ارزان» دانست. ماهی سیبانی نوع ماهی، اگر هم روزی در بازار پیدا شوند، اعتبارش و نارضایتی خریداران را، بخاطر گران بودنشان، بدنبال دارند. قیمت این نوع ماهی، هر کیلویی به ریال، مطابق جدول زیر است:

خاور	حلوساه	سنگسر	زلیخا	قیاد	شانگ
تازه	۱۱۰	۲۳۰	۲۲۰	۱۵۰	۲۲۰
بخزده	-	۱۳۰	-	۱۶۰	۱۶۰

البته اینها قیمت رسمی دولتی است، که در عرض یکسال گذشته بر روی صفحه کاغذ ثابت بود. اما از دو سال پیش، افزایش متوسط قیمت انواع ماهی بیش از ۳۰۰٪ بوده است!

سرو به باز است! فروشهای زینم: در فضای دم گرفته برهها و زماریک بازار، چند ماهی فروش مشغول تمیز کردن با فروختن ماهی هستند. بر سر همین چند فروشنده ای که ماهی بجا - خریداران چند روز پیش را می فروشند، غوغایی از خرباران چند خانم بطول ج. در جواب سؤال ما: از قیمت ماهی راضی هستید؟ چنین میگوید:

«کدام ماهی آقا. ماهی نیست. اگر هم باشند، بر سر آن جنگ و دعواست. تا چند ماه پیش فراوانتر بود و کمی هم ارزانتر. البته چهارمتری ماهی گاوشت، شاید ارزانتر باشد، اما ماهی کیلویی بیست تومان، اصلاً ارزش خریدن ندارد. یک موقی ماهی چیزی بود که سرفره هر کسی پیدا می شد.»

«بازار گاو و بیرو ماهی فروش می گوید: یکبار تعاونی به ما ماهی میدهد، که ممکن است چند هفته طول بکشد. در این فاصله ما بیگار می شویم.»

در اتاقی که عده ای از ماهی فروشان نشسته اند، سبب اصلی کمبود ماهی را جواب می گویم. یکی از آنان توضیح میدهد:

«سهمیه ماهی تازه مارشاللات میدهد. سهمیه خرمشهر در کل ۳۰۰ تا ۵۰۰ کیلو است، که بوسیله شرکت تعاونی صیادان آورند گاو صید و توزیع میشود. هر کیلویی ۵۰٪ قیمت به شرکت تعاونی، ۱۰٪ بابت حمل و نقل و ۴۰٪ بقیه به ما میماند. ماهیهای محلی مثل میگرد که ماهیهای مهم قیمت اصلی ماهی اضافه میشود. مقداری ماهی که با قیمت توزیع میشود، نسبت به میزان تقاضای شهر، بسیار کم است. ماهم سردخانه نداریم. هر گس یک صندوق دارد، که گاو را خرد می کند و ماهی را برای چند روز در آن نگه میدارد. ماهی خیلی زود فاسد میشود و در روزهای بعد، به علت گهشته شدن، قیمتش پایین می آید و با مقداری آن را نقد و غیر قابل فروش میشود. به این شکل که یکروز ماهی با مقدار زیاد هست و تا چند روز بازاری خالی است. این فقط به نفع مستکبرین است که در خانه «فریزر» (سرد کن) دارند و می توانند مصرف یک مدت طولانی خود را بجا بماند و انبار کنند، و گرنه ماهیهای باقیمانده، یا در آمدگم، از گاو می توانند ما به محتاج خود را با این صورت تهیه کنند؟»

چوایی که خود را «هادی توش» معرفی می کند، چنین می گوید:

«سابق بر این ماهیها را یک واسطه تحویل می گرفت. مقدار زیادی ماهی در سردخانه نگهداری می کردند و احتیاج هر روز بازاری را به ما تحویل می داد. حالا اینکار بدست «شرکت تعاونی صیادان» افتاده است و «اداره گاوشت» تعاونی میشود. شرکت تعاونی هنگام توزیع، ابتدا جنس مرغوبتر را به فروشگاهها میدهد، که سهمیه تعاونی است، تحویل می دهد، بعد به ما. ولی ۵۰٪ راهم که هر کیلویی ۱۵۰ ریال میشود، از ما می گیرند، و آن ۵۰٪ بقیه چکانی می رود؟ خوب این واسطه ها خودشان صاحب کسب می شوند؟ ماهیهای گاوشت باید دست آنها گاوته شود، تا اینطور نباشد که هر وقت میلتان کشید و به شکل گاو گاوستان، به ما ماهی بدهند» یکی دیگر از ماهی فروش های گوید:

«از طرف دیگر ماهی میخزده، که قبلاً توسط شرکت جاسک صید و توزیع می شد، حالا توسط اداره گاوشت به یک گروه تعاونی سپرده شده. آنها بجای اینکه گاو صید و با اصلاح گاو تولیدی کنند، تنها گاو تولیدی می کنند و در گاو خود بسیار ناوارد هستند. هنوز راه توزیع را نمی دانند. آنها بیشترین سهمیه را به فروشگاههای خود در آبادان میدهند. در ضمن از آنجا و کوششهای صید بهرمان استفاده میکنند و فاصله این صید و توزیع زیاد شده. شلالت باید به این کار رسیدگی کند. در حال حاضر ۲۴ کشتی خوابیده و صید نمی کنند.»

به فروشگاههای داخل شهر سر می زنیم. تمام فروشگاهها تعطیل است. از این در طی هفته، تنها یکبار باز شده اند. در یکی از این دفعات تنها یک نوع ماهی عرضه شده و صف طولانی از مردم را در جلوی مغازه ها گرد آورده، در حالیکه ماهی عرضه شده به هیچ وجه متناسب با این تقاضای مردم نبوده است.

در سایر بازارها زنان دستفروش بساط خود را گسترده اند و در غیره داشتی ترین شرایط، بدون دسترسی به هیچ خیال، در این مساطد آلوده و فقیرانه، اغلب انواع ماهی را که از شط صید شده است، به مردم فقیر عرضه می دارند. «بیسی»، «شاپوت»، «بزم» - این انواع ماهی از شط در نزدیکی شهر مشغول صیادان آزاد صید می شود. تا سرفه بی خرم فروختادگان را رونق فقیرانه بخشد. از قیمت میگو هم، که به تازگی در واقع در ردیف «تجملات» قرار گرفته، نباید برسد.

کیلویی در کیفیت های مختلف، از کیلویی ۲۰ تومان تا کیلویی ۵۰ تومان بگوشت بگوشت کدر، بازار بافت نمی شود. در گذشته میگو خشک شده، مثل هر ماده غذایی محلی دیگری فراوان بود. اکنون تا مرغوبترین نوع آن، یعنی میگو خشک و تمیز نشده، که نصف وزنش را پس از تمیز شدن از دست میدهد، یا قیمت کیلویی ۲۰ تومان از مواد غذایی کمباز بازار مردم از دولت انقلاب انتظار دارند که بانظارت دقیق بر امر صید و توزیع انواع ماهی در جنوب، با کوتاه کردن دست واسطهها و دلالان، در فاصله بین صید ماهی تا عرضه آن به بازار، این مردم خوراک را به قیمت مناسب و متناسب با نیاز مردم در دسترس آنان قرار دهد، تا بار دیگر بسرفره در ماندگاری و الفت و آشتی برقرار شود.

کار در کوره های گچ پزی، مثل کار در جهنم است



کار کودکان باید ممنوع شود

سروستان در استان فارس قرار دارد و دارای ۵ کوره گچ پزی است. بزرگترین آنها متعلق به یک نفر شهزادی است، که روزانه ۷۰ تن گچ تولید می کند. بقیه کوره ها متعلق به افراد بومی است و ظرفیت کمتری دارند. این کوره ها بخشی از گچ مورد نیاز شهزاد و مورد دست رانان می کنند.

کارفرمایان برای بهره کشی بیشتر و پرداخت دستمزد کمتر به کارگران، از کارگران و خردسالان و سبها استفاده می کنند. معمولاً کارهای شاق و خرد کننده، از قبیل حمل سنگ گچ و بار زدن و شکستن و چیدن سنگها در کوره ها به آنها محول می شود.

در کوره ها از بهداشت و وسایل ایمنی خبری نیست و ربه کارگران برآنج است. آنها مثل مجسمه های گچی از صبح ساعت ۶ تا بعد از ظهر در تاندا هستند، هر چه بیشتر جیب کار فرما انباشته شود.

تعداد کارگران کوره ها بسته به تقاضای بازار متغیر است. بنابراین هیچگونه تأمین شغلی وجود ندارد. شرایط کار طاقت فرسا و سنگین است.

نظری علی، یکی از کارگران، میگوید: "هیچکاری مثل کار ما سنگین و سخت نیست." عبدالحمید طالب زاده، آتشکار کوره پزخانه حاجی محمود، میگوید: "آتشکار رانمی گسردم. این شغل عمر آدم را کمر می کند." سیف الله میگوید: "یکی از کارگران بنام اسمعیل چند روز پیش حالش بد شد و خون استفراغ کرد." در این محل آب آشامیدنی، سیاه رنگ و ملو از لجن است. با اینکه فئات دره کیلومتری کوره قرار دارد، کار فرماز حمت تهیه آب سالم برای

کارگران را بخود نمی دهد. از بوی لجن آب آشامیدنی حالت استفراغ به آدم دست می دهد. کارگر خردسالی بنام صفر میگوید: "چکار کنیم، مجبوریم همین آب را بخوریم. کی می رود برای ما آب بیاورد؟"

کوره پزخانه حاجی محمود ۱۰ کوره دارد. ابتدا کودکان سنگها را در کوره ها قرار می دهند، بعد آتشکار آنها را می برد و کودکان باز به سنگهای پخته شده را به آسیا می برند. در آنجا سنگها آرد می شود و سپس کارگر دیگری آنها را با میزند. کار فرما برای حمل سنگهای پخته باندازه کافی فرقان در اختیار کارگران قرار نمی دهد.

یکی از کارگران میگوید: "همه جای ما گچی است. بدندان، توی گوشها، چشمها، بینی، ریه، روده و همه جا." در محیط کار چشم انسان جایی رانمی بیند. به علاوه حرارت کوره ها در گرمای تابستان شرایط کار را دشوارتر می کند و گفته اند: "کار در اینجا مثل کار در جهنم است." در سایر کوره ها هم وضع به همین نحو است. دستمزد بزرگسالان ۸۵ تومان و کودکان متغیر است (۶۰ تا ۳۰ تومان). کارگران از افزایش هزینه زندگی نگران و خواهان اقدامات قاطع دولت در مبارزه با گرانی و تورمی بودند.

ساعت کار از ۶ صبح تا ۶ بعد از ظهر است. هیچکدام از کارگران رسمی و بیمه نیستند و همگی روز مزد هستند و تعطیلی برای آنها مفهومی ندارد، چون اگر یک روز کار نکنند، نان ندارند. در این کوره ها از سندیگاو شورا خبری نیست.

در کوره آهک پزی سقز - فقط کار کردن و جان کندن و دیگر هیچ



در مورد وضع بیمه، بهداشت و وسایل ایمنی از او پرسیدیم، جواب داد که: "ما هیچ کدام بیمه نیستیم. روزی هم اگر مریم باشیم، آن روز حقیقت نداریم. وسایل ایمنی را هم که خودمان تهیه می کنیم. دستکش و پماد را با حقوق خودمان می خریم." مگر شما احتیاج به ماسک برای کار در جلو کوره و لباس کار و سرویس ماشین ندارید؟

گفت: "آقا اصلاح حرف اینها را نزن. ما جمعه ها را هم تعطیل نیستیم و اگر تعطیل کنیم حقوق نداریم، یعنی فقط کار کردن و جان کندن و هیچ چیز دیگر." در این وقت دو نفر از همکارانشان آمدند و محمد با صدای بلند آنها را به سوی ما فراخواند و به ما گفت: "آقا اینها را هم بنویسید، از ما قدیمی ترند."

یکی از آنها به نام احمد کریم احمدی شروع به درد دل کرد و گفت: "من ده سال است که در این کوره کار می کنم. مدت کار ما ۷ ماه در سال است. بقیه سال را بیگاری راهی حقوق هستیم. ایام بیگاری را هم باید با همسین شندغاز در آمدن به روتاستان بگذرانیم. در اینجا از مقررات اداره کار و غیره خبری نیست. شورا و سندیکا ندارد. کوره ها از نظر ساختمانی و وضعشان خیلی خراب است و کارگران امنیت جانی ندارند. او با دست خرابه ای رانشان داد و گفت:

کوره آهک پزی حاجی جلیل مالچی در انتهای خانه های جنوب شرقی شهر سقزو در کنار رودخانه شهر، بر بالای تپه ای که ارتفاع قرار دارد. محیطی تپه ای با کوهی از رنگ آهک سوخته و پیستی و بلندیهای زیاد، با شیارهای پراز روغن سوخته و آشفال.

در فضای کوره سایه بانی کوچک، که از بزرگ درخت ساخته شده، و چند بسته "تجه" حاوی نان، با کوزه های گلی و دوغ و کتریهای سوخته و سیاه و چند استکان خاک آلود پخش شده اند.

در زیر سایه نیم متر مکعبی، کارگری با لباسی کاملاً روغنی خوابیده و از فرط خستگی طاقت فرسا، در خواب غافل، اصلاً متوجه مانده است. او از صحبت های ما بیدار شد و پس از معذرت و کمی دست پا چکی گفت:

دیشب را شب کار کرده ام.

دود رقیبی از کوره بلند شد، که نشانه پایان یافتن کار کوره است. به محل موتور کوره رفتیم. سردابی تنگ و تاریک، با راهروهای نسبتاً طویل و پله های کج و معوج و حرارتی درمیز ۵۰ درجه سانتیگراد مشغول کوره، کارگری ۳۵ ساله با سیمانی چروکیده، با دستان بیسته و سراپا روغنی است. وی خود را محمد معرفی کرد. با برخوردی صمیمانه و پاک به سئوالات ما جواب داد. او میگوید: "هفت ساعت کار داریم و نزدیک هفت سال است که در این کوره کار می کنم. البته من در قسمت آجری کار می کنم ولی حالا استادکار مسئول کوره را اخراج کرده اند و کوره بی استادکار می خوابد و آن صورت ما هم بیکار می شدیم و حقوق نداریم. اجباراً بیکار را، یعنی مسئولیت کوره، را قبول کردم. البته یکی دیگر از همکارانم در اداره موتور کوره کمک می کند."

در مورد کار روزمان و مصرف و در آمدن کوره جو یا شدیم، میگوید:

"ما در ماه چهار کوره می سوزانیم که مجموعاً هر کوره ۵۰ تن آهک و ده هزار تولید می کند، که در ظرف این مدت یکماه کوره حدود ۴۰ هزار لیتر نفت سیاه می سوزاند. هر کوره ده هزار لیتر، و اضافه کرده:

"هر هزار آجر چهار صد تومان و آهک را تنی سیصد تومان می فروشند. از حقوقش پرسیدم. میگوید: "ما روزانه ۵۵ تومان کار می کنیم، ولی برای ما دودنفری که در اداره کوره شرکت داریم و در مدتی که کوره کار می کند یعنی شب و روز در اینجا هستیم، ۶۵ تومان حساب می کنند، یعنی برای هر شب کار ده تومان. معمولاً روزانه از ساعت هفت شروع به کار می کنیم و غروب نزدیکهای تاریکی دست از کار می کشیم. کارگر دیگری، که خود را محمود محمودزاده معرفی کرد، میگوید:

"من در این کوره کوچکترم مدت دو سال است که در این کار می کنم و از ده "کافی نیاز" به قاصه ۷ کیلومتری به اینجا می آیم. صبحها یک ساعت طول می کشد تا برسیم و غروبها بیشتر از یک ساعت من و برادرم ۱۴ ساعت را نمان می دهیم و به خاطر همین، اینکار طاقت فرسا را در این شرایط سخت و با حقوق کم باید تحمل کنیم. ما از تریس بیکاری نمی توانیم مخالفت کنیم."

چند روز پیش این قسمت کوره ریزش کرد و خردارم کرده که کسی از ما آنجا نبود. در سقز ۱۶ کوره شیطانی آهک و آجر وجود دارد که تمام شرایط آنها مثل هم است. تازه همه آنها خیلی از شهر دورند و فقط این کوره نزدیک شهر است. راجع به کوره بزرگ و با بیستی پرسیدیم که: چرا کار نمی کند؟ یکی از کارگران گفت:

حاجی جلیل به ما میگوید که گل برای آجرندارم، ولی من فکرمی کنم حساب حساب گل و خاک نیست، عمداً به کارش نمی اندازند. از آنها پرسیدیم: خواست کلی شما چیست، تا ما آنرا منع کنیم؟

کاکه کریم احمدی میگوید: "خواست ما اینست که به ما مظلوم نکنند. در اینجا همکاران ما را این نظر را تا شاید کردند و گفتند:

"بله، به ما مظلوم نکنند." کاکه کریم اضافه کرد: "ما می خواهیم حقوق و مزایایمان برابر سایر کارگران باشد. آری، اینچنین است وضع ۱۶ کوره - آهک و آجر در سقز. حقوق آنها از حد قابل حقوق تعیین شده از طرف اداره کار ۶۲۵ ریال کمتر است و برای اضافه کار شب کار، فقط ده تومان به آنها می پردازند."

از بهداشت و وسایل ایمنی و لباس و سرویس و بیمه خبری نیست. جمعه تعطیل نیست. هر کارگری که مریم شد، آن روز حقوق ندارد و کار فرما هر وقت دلش خواست، آنها را بیرون می کند، مانند استاد کار. ولی در یک برآورد به این نتیجه می رسیم که، در هر ماه هر کوره حدود چهار هزار تومان نفع خالص دارد.

سندیگاهای کارگری تیریز به اخراج کارگران معترض اند

نشریه خبری سپاه پاسداران انقلابی تیریز، در بولتن شماره ۵ خود، اطلاع می دهد: سندیگاهای کارگری کارخانجات، رانندگان، کوره پزخانه ها، و تراشکاری و دیگر صنایع، با صدور اطلاعیه های خواستار لغو ماده ضد کارگری ۳۳ با قانون کار شدند. در این اطلاعیه آمده است، با وجودی که بارها با اداره کار تماس حاصل کرده ایم، ولی تاکنون کوچکترین اقدامی در این رابطه انجام نگرفته و حتی در مواردی جانب کارفرمایان گرفته شده است. در ادامه این اطلاعیه آمده است: هر روز تعدادی از کارگران به بیانهای مختلف اخراج می شوند و اداره کار هم نظاره گر این بی عدالتی ها است، که سرانجام این اعمال ضد انسانی توسط کارفرمایان در انجام جزایجاد طرح و مرج تولید ناراضی ندارد."

زیست بهداشتی، سالن غذاخوری خبری نیست و نسبت به سابق هیچ تغییری در کارخانه صورت نگرفته است. همچنین دستمزد کارگران بسیار کم است و یکی از ناراحتی های عمده کارگران همین پائین بودن سطح دستمزدها است. وزارت صنایع و معادن با بهره چرخ زودتر در مورد بازسازی این کارخانه تصمیم فوری و ضربتی اتخاذ کند، تا این مرکز تولیدی از کار نیفتد.

کارخانه کبریت سازی زنجان با خطر تعطیل روبروست

کارخانه کبریت سازی زنجان مدتی است که تحت نظارت صنایع و معادن اداره می شود. این کارخانه با خطر تعطیل روبروست، چون تعدادی از ماشین آلات کارخانه، بعلت فرسودگی و یا از کار افتادن، قابل استفاده نیستند. بعنوان نمونه: دستگاه "کلیت"، که یک چهارم کار کارخانه را انجام می دهد و همچنین دستگاه "قوطی پرکن" بعلت نقص فنی، بسیاری از چوبها را خرد و خراب میکند.

یکی از کارگران میگوید: "باید قسمتی از ماشین آلات کارخانه کنار گذاشته شوند و بجای آنها از دستگاههای جدید استفاده شود. در غیر این صورت، به احتمال زیاد همین امسال کارخانه از کار خواهد افتاد." تولید این کارخانه، بعلت فرسودگی دستگاهها به مقدار زیادی کاهش یافته است. در بعضی از موارد خرابیها خوب خراب می شود و اجباراً به صورت آشفال بیرون ریخته می شود. در کارخانه کبریت سازی زنجان حدود پانصد و سی نفر کارگر می کنند. تعداد کارگران ماهرو متخصص بسیار کم است. بعنوان نمونه: یکی از کارگران، که که متصدی قوطی پرکن است و مهارت زیادی در کار خود دارد، در صورت بازنشسته شدن، هیچیک از کارگران نمی توانند جای خالی او را پر کنند. پس اجباراً دستگاه از کار خواهد افتاد. در این کارخانه از کلر، هواکش، حمام، محیط



میدالاحسین طالبزاده، آتشکار کوره حاجی محمود (کوره گچ پزی در سروستان فارس) حین کار

حقوق عقب افتاده کارگران شرکت کاسپین را پرداخت کنید!

پس از پیروزی انقلاب، کار شرکت کاسپین دورود (که پیمانکار صنایع نظامی دورود بوده است) را کد ماند. پس از مدتها دوندگی طی مراحل قانونی، حکم فروش وسایل این شرکت از وزارت کار و امور اجتماعی و دادگاه انقلاب گرفته شد. قرار شد که دادسرای دورود مجری به مزایده گذاشتن این اجناس و پرداخت حقوق معوقه کارگران شود.

با بررسی که توسط سپاه پاسداران دورود و جهاد سازندگی بعمل آمد، چون بنظر می رسید که دستهایی برای سوء استفاده در کار آمد، لذا قیمت ماشین آلات منور توسط کارشناسان تعیین شد. سپس مقرر شد که جهاد سازندگی لیست این امکانات را به قیمت تعیین شده (حدود هفتاد میلیون ریال) خریداری کند و جهت سازندگی استان استفاده کند.

پس از طی مراحل قانونی، روز ۲۹/۴/۵۹ جهت پرداخت پول منور تعیین شد. زمانی که این موضوع آخرین مراحل خود را می گذراند، نامه ای به تاریخ ۲۴/۴/۵۹، به امضاء آقای نعمت زاده وزیر کار، به دادگاه دورود واصل شد و دستور منع فروش اجناس فوق را صادر کرد.

این موضوع باعث ناراضی کارگران شد و با توجه به تحریکاتی که از طرف عوامل ضد انقلاب در

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

برای تشکیل اتحادیه‌های دهقانان فعالانه‌کوشش کنیم

(توجه کنید! ضرورت تشکیل و هدفهای اتحادیه، طرز تشکیل و نحوه عمل آنرا با حوصله و دقیقاً برای دهقانان علاقمند توضیح دهیم)

همه میدانند که دهقانان یکدست نیستند، بلکه چنددسته‌اند. گروهی راددهقانان تبه‌دست می‌نامیم، که مایه زمین ندارند و یکم دارند. آنها اغلب آندارند که باناله سودا کنند. دسته دیگر دهقانان متوسط یا میانه حال هستند، که کم و بیش زندگی را برطرف کرده به هم وصل میکنند، ولی نارسایی در زندگی و کار زیاد دارند. و بالاخره گروه سوم دهقانان مرفه یا دولت‌مند هستند. این تقسیم بندی بیشتر مربوط میشود به مقدار زمینی که آنها در اختیار دارند و کشت می‌کنند.

دهقانان بی‌زمین و کم زمین و دهقانان میانه حال، یعنی دودسته اول، راددهقانان زحمتکش می‌گوئیم. چرا؟ برای اینکه آنها خرج زندگی خود و خانواده‌ها را از طریق کار خود و خانواده بر روی زمین بدست می‌آورند و زندگی آنها از بهر فکشی نمی‌گذرد، بلکه خودشان زحمت می‌کشند و البته اغلب مورد استثمار هم قرار می‌گیرند.

دهقانان مرفه معمولاً دیگر روستائیان را هم بکار می‌کشند و صاحب زمین بیشتر و وسایل تولید هستند و به همین علت میتوانند بهره‌رکنی هم بکنند. آنها دارای درآمدی جنبی دیگری هم هستند و به نسبت روستائیان زحمتکش در قلمبر می‌برند، کما تنم البته نسی است، زیرا دردی که وسایل رفاهی نیست، بجز می‌توان مرفه زندگی کرد.

اما بجز دهقانان، افرادی هم هستند که در جامعه روستایی ماحکم و حاضر هستند، که زمین‌های زیاد دارند و به اینها هم جمعاً مالکان بزرگ می‌گوئیم. این افراد باقی‌مانده همان اربابان و فئودالها و خاندانها هستند و با سرمایه‌داری که زمین‌های مکانیزه زیادی دارند. اینها سالهاست دهقانان و همچنین کارگران کشاورزی را بر روی زمین‌ها بکار رومی‌دارند. اینها از شهره جان زحمتکشان تغذیه می‌کنند و محصول دسترنج آنها را بجهت خودشان می‌برند و بجز زحمتکشان روستایی پول بخور و نمیزی میدهند.

از نظر سیاسی زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ، وابسته به امپریالیسم هستند، یعنی منافع آنها در این است که کشور ما مستقل و قائم بماند و نباشد و بسود زحمتکشان گام برندارد. آنها میخواهند که حکومت کشور، یک حکومت نوکر صفت و دست‌نشانده امپریالیسم باشد، تا آنها هم ثروت‌های مملکت و دسترنج دهقانان را ببلعند. بنابراین به همین علت، کلیه دهقانانی که دائماً زیر فشار این بزرگ مالکان قرار دارند و پروا نرسیم و جی‌اول آنها فقیرتر میشوند و بسا در شهرها آواره و برای خرج خانواده خودشان در مانده میشوند، با هم در مبارزه با این زالوهای خونخوار پیگانه برست در یک صف قرار می‌گیرند، و علی‌رغم اینکه یکدست نیستند، خود را دشمن مشترکی روی می‌بینند.

علاوه بر این، آنها می‌بینند که تعداد مردم در دست و حسابی دارند و به یک جاده سالم که از آن برای سفر و حمل بار و محصول بارساندن بیچاران به شهر استفاده کنند و نه از بهداشت و حجام و درمانگاه برخوردار هستند. علاوه بر عمال زورگویان اجازه نمی‌دهند که حرف دلشان را بزنند. در رژیم گذشته زورگویان، از ژاندارمری و ساواک و ایادی مسلح و چاق‌دار مالک

بزرگ برای سرکوب دهقانان استفاده می‌کردند. حالا دهقانان ایرانی در مجموع دهقانان زحمتکش بطور اخص، خود را در برابر وضع دیگری می‌بینند.

اولاً قرار است اصلاحات ارضی واقعی انجام شود، که برای همین کار لازمست خود دهقانان هشیار و متحد باشند، تا بر نیروی مالکان بزرگ و عمال آنها بهروز شوند.

ثانیاً آنها از انقلاب خودشان انتظار دارند که برای بهتر شدن وضع زندگی و برای بدست آوردن وسایل کار و تولید و عمران ده اقدامات جدی انجام شود. برای این کار هم لازمست آنها دست بدست هم بدهند و خواست‌های خود را تنظیم کنند و برای به کرسی نشاندن آن مبارزه کنند.

دهقانان خودشان به تجربه دیدمانند که چگونه در سالهای اخیر وقتی با هم متحد شدند در انقلاب شرکت کردند، و بالاخره توانستند، با کمک زحمتکشان شهری، رژیم فاسد و وابسته، ضد ملی و ضد دهقانی شاه سابق را، که نوکر امپریالیسم آمریکا بود، بسه رهبری امام خمینی، سرنگون کنند.

اتحاد و همکاری، و وحدت عمل، میوه‌های شیرین میدهد. برای رسیدن به مطالبات حقه خود باید متحد شو و وحدت داشت. همه دهقانانی که با انقلاب موافق هستند و با امپریالیسم مخالف هستند، باید اتحاد داشته باشند.

حالا هم که انقلاب بر رهبری امام خمینی و شرکت وسیع دهقانی زحمتکش پیروز شده، باید با هم اتحاد و همکاری کرد، زیرا باید از انقلاب دفاع کرد و هدفهای آنرا عملی ساخت. انقلاب مازمانی واقعا پیروز میشود که نفوذ امپریالیسم را برای همیشه از بین برده باشیم.

امپریالیسم به کمک آبادی داخلی خودش، یعنی مالکان بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ، در کشور ما ریشه دوانیده است. برای اینکه این ریشه‌ها را خشک کنیم، باید علیه مالکان بزرگ مبارزه کنیم. یعنی آن زمین‌های وسیع، که وسیله غارت مالکان بزرگ است، باید بدست دهقانان واگذار شود. این زمینها اغلب غصبی است و بزرگ از دهقانان و بزرگان دهقانان گرفته شده و باید به مالک واقعی آن برگردد. مالک واقعی زمین کسی است که برای آن کار میکند. حالا که انقلاب مستضعفین می‌خواهد حق را به حق‌دار برساند و قانون اصلاحات ارضی تصویب شده است، باید دهقانان برای حفظ انقلاب و هدفهای آن، با هم این اتحاد خود را حفظ کنند، تا قانون کاملاً و بدرستی انجام شود و دهقانان به زمین و رفاقه برسند.

دهقانان عزیز!
باید با هم متحد باشید، تاکسانی را که با خواست شما مخالفت دارند، یعنی مالکان بزرگ و ایادی چوب‌دست آنها و عمال امپریالیسم را، کاملاً مخالف جمهوری اسلامی ایران هستند و نمی‌خواهند کشاورزی ما رونق پیدا کند و شاد زندگی بهتر و انسانی داشته باشید، از میدان بدر کنند.

باید با هم با مقامات اجرائی و نهادهای انقلابی همکاری کرد و آنها را راهنمایی نمود که زمین‌های مالکان بزرگ تماماً و بدون استثنا به دهقانان تهنیدست و واگذار شود و بسواک اربابی بگلی از بین برود.

باید به روش تولید کمک کرد و در زمین‌های مشاع، با کمک مراکز خدمات کشاورزی ده، تعاونی‌های واقعی را بوجود آورد، و باید در راه رانوسازی و همسازی کرد و شرایط و زندگی شایسته‌ای را بوجود آورد.

دهقانان! دشمن در کمین است. باید

انقلابی که زمین و آزادی و زندگی بهتر را وعده میدهد و استقلال و پیشرفت را به همراه می‌آورد، حفظ کرد. همه آن دهقانانی که برای رسیدن به این هدف هادینفع هستند میخواهند خودشان کوشش کنند که در این جهت جلو رود، میتوانند متشکل شوند، دست بدست هم دهند و اتحادیه دهقانان را بوجود آورند. اتحادیه سال کشاورزی خدمات به شاست و بدست خود شما بوجود می‌آید.

حالا ببینیم اتحادیه دهقانان چیست و چه کسانی در آن میتوانند شرکت و فعالیت کنند؟

هدف و وظایف اتحادیه دهقانان چیست؟

هدف اصلی از تشکیل اتحادیه دهقانان آن است که زحمتکش روستایی در سازمانهای محلی، که مناسب با شرایط خود محل باشد، دور هم جمع شوند و با اتحاد و یاری هم دیگر برای رسیدن به خواست‌ها و رفع احتیاجات خود و بهبود محیط زندگی خود در ده، فعالیت کنند و از حقوق و منافع خود پاسداری کنند. بطور کلی هدفهای اتحادیه دهقانان عبارت است از:

۱- کمک به اجرای اصلاحات ارضی، یعنی رسیدن دهقانان بی زمین و کم زمین بزمین (بسا کمک نهادهای انقلابی که بجمع شاکار می‌کنند) و ریشکن کردن زور و غارت بزرگ مالکی، که همه اقتدار و دستهای دهقانی از آن رنج می‌برند.

۲- حل فصل مسایل و مشکلات تولید کشاورزی، دامداری، صنایع روستایی و غیره بجمع اقتصاد کشور و کسانی که آنها را تولید می‌کنند.

۳- اتحادیه با تکیه به هم جمع دهقانان و حمایت کلیه اهالی، نیروی مهمی است که میتواند طلب کند برای زحمتکش کار ایجاد شود و کمک کند تا مقاصد مشول، تعاونی‌های واقعی تولید را بوجود آورند و برای رونق دادن بکشاورزی، پیشنها ده و ابتکارهای خود دهقانان را عملی کند و روش‌های نو و وسایل جدید را به دهقانان معرفی کند.

۴- مشکلات و نارسایی‌های ده را تعیین و ارزیابی کند و برای عمران و آبادی روستا و بهتر کردن محیط زندگی کوشش کند، و از شورای ده بخواهد و با شورای ده همکاری کند، تا این مشکلات رفع شود.

۵- کمک به ایجاد و گسترش امکانات رفاهی و تامین اجتماعی یک رشته بگرفعالیت اتحادیه دهقانان باید باشد. دهقانان وقتی متحد باشند، توسط سازمان خود، یعنی این اتحادیه، میتوانند مشورای ده، بهادارات محلی، به نهادهای انقلابی مراجعه و طلب کنند که این مسائل حل شود.

۶- اتحادیه دهقانان همچنین برای متکامل دهقانان بخاطر مبارزه علیه ضدانقلاب و عوامل امپریالیسم و حفظ دستاوردهای انقلاب و تقویت نهادهای انقلابی و مردمی لازم است. تا این وظیفه مهم انجام نشود، تمامی هدفهای دیگر بدست نخواهد آمد.

این ها وظایف اتحادیه‌های دهقانان است، که خود شما بهتر میدانید که چقدر اجرای آنها مهم است، و خود شما بهتر میدانید که در ده شاهرک از این وظایف و مسائل چگونه مطرح است و چه مشکلاتی وجود دارد و کدامیک باید زودتر حل گردد و راه آن چیست؟

وقتی فهمیدیم که وظایف اتحادیه دهقانان چیست، باید بدانیم که این اتحادیه چگونه باید وظایف خود را انجام دهد و چه کسانی را ما مورد اجرای آنها بکنند؟

*** بخاطر خدمت به اتحادیه دهقانان و پیشرفت مبارزه آنان**
*** در جهت دفاع از جمهوری اسلامی ایران، زندگی بهتر و کشاورزی شکوفان**
*** برای نابودی بزرگ مالکی و هرگونه پایگاه ضدانقلابی در روستاها**

سازمان اتحادیه دهقانان

برای آنکه اتحادیه ایجاد شود، باید همه دهقانان یک ده، که اهمیت اتحاد و همکاری برادران را فهمیدمانند و میدانند که یکدست صداتر ادو علاقمند به اتحادیه شده اند، دور هم جمع شوند. وقتی عموم دهقانان علاقمند دور هم گرد آمدند، در مدرسه یا مسجد، در خانهای با سرزمین‌های، با هر جای دیگر، باید کلیه خواست‌ها و وظایف را، که ما بطور خلاصه در مورد فوق آنها را یادآوری کردیم، بنویسند. این نوشته، اساسنامه اتحادیه است که همه آنرا تصویب می‌کنند و چند نفر را از بین خود، که با آنها اعتماد داشته و فعال باشند، بعنوان "هیئت مدیره" انتخاب می‌کند، تا کارهای اتحادیه را انجام دهد.

هر دهقان عضو اتحادیه، مطابق تصمیمی که جمعا در همان جا خود دهقانان می‌گیرند - حق عضویت می‌پردازد و از طریق این پولها مخارج اتحادیه تامین می‌شود. اتحادیه دهقانان در کجا عمل می‌کند؟

هر اتحادیه دهقانی میتواند در یک ده و یا چند روستای نزدیک بهم با متصل بهم و یا در محدوده یک دهستان تشکیل شود. وقتی چند اتحادیه در یک بخش تشکیل شد، این اتحادیه‌ها میتوانند با حفظ استقلال خود بیکدیگر پیوندند و شورای اتحادیه‌های دهقانی بخش را تشکیل دهند. کجرف هابی که از گذشته موجود است، نشان میدهد که بازم شورای اتحادیه‌های چند بخش میتوانند شورای اتحادیه‌های شهرستان و شوراهای چند شهرستان، شورای اتحادیه‌های استان را بوجود آورند.

بالاخره از اجتماع شوراهای اتحادیه‌های استان - های کشور میتواند مرکزی یا کانونی برای اتحادیه‌های دهقانان ایران بوجود آید.

دهقانانی که سالتر هستند و در دهاتشان، قبل از دیکتاتوری شاه سابق، اتحادیه‌های دهقانی وجود داشته، حتماً باید با ورتند که اتحادیه‌های دهقانان در سطح شهرستان و استان میتوانند طبق ضوابطی افراد شاغل در شهرها را، که به علت فعالیت‌های خود در امور اجتماعی و سیاسی به زندگی و آینه دهقانان علاقمند هستند، مثل مهندسان کشاورزی، حقوق دانان، پزشکان، کارکنان فنی بهداشت و درمان، کارشناسان کشاورزی و دامداری کارشناسان مسائل اجتماعی، فرهنگیان و دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان، بعنوان عضو وابسته به اتحادیه خود بپذیرند و از تجربه و فعالیت آنها استفاده کنند.

دهقان عزیز! شما که خودتان علیه مالکان بزرگ مبارزه کرده‌اید و میدانید که مسلطاً ملی شما زمین و سپس امکانات رفاهی و تولید بیشتر و استفاده از تسهیلات لازم دولتی نظیر وام و تعیین قیمت عادلانه و خرید تضمین شده و امور عمرانی روستاست، همه جاتحادیه‌های خود را تشکیل بدهید و در راه بهتر شدن زندگی خود، بالا بردن تولید و دفاع از انقلاب اقدام کنید.

اتحادیه دهقانان ضامن موفقیت شاست. موفق باشید!

روستای کار تیج کلا - کیا کلا (مازندران)



نمایشگاه عکس از جنایات امپریالیسم آمریکا، که مورد استقبال روستائیان، بخصوص دهقانان جوان قرار گرفت

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و داد و زمین به کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود

باحل مشکلات، دهقانان گلورا به انقلاب خوشبین سازید

محرور می‌شوند.

زنان نیز عموماً می‌سوادند و دخترانی که دوره ابتدایی را تمام می‌کنند، چون مدرسه راهنمایی وجود ندارد، نمی‌توانند به تحصیل ادامه دهند.

باتوجه به زمستان سرد و طولانی در این منطقه و نبودن جاده ارتباطی مناسب، رفت و آمد بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. همچنین در این شهر نیز، به علت اینکه اطراف روستا را آب می‌گیرد، ارتباط با روستاهای دیگر با شهر با اشکال مواجه است.

در این روستا شرکت تعاونی وجود ندارد، فقط عده‌ای از اهالی در شرکت تعاونی روستای "تنه‌کران" عضو هستند، که مشکل جاده مانع از ارتباط مرتب آنها می‌شود.

این روستا فاقد حمام، برق، درمانگاه، وسائل ورزشی و تفریحات سالم، مخزن تامین نفت و فروروشگاه است.

آب مصرفی مردم از چاهی، که بعد از انقلاب احداث شده، تامین می‌گردد. البته کار لوله‌کشی آغاز شده و ادامه دارد. برای انجام این طرح از مهر ۱۳۵۸ تا بهمن ۱۳۵۸ پول گرفته‌اند (۳۰۰ تومان برای امتیاز و ۱۰۰۰ تومان برای خرج لوله کشی). بنابه اظهار اهالی، شورای ده بطور انحصاری تشکیل شده و مردم در انتخاب اعضای شورا نقشی نداشته‌اند و حتی بعضی می‌گویند، اعضای شورای اینها ناشناخته است. لابد به همین علت هم هنوز اقدامی برای اهالی و در جهت رفع مشکلات مردم انجام نداده‌اند و این امر باعث تارضائی آنها گردیده است.

اخیراً با خودیاری و کمک اهالی پلی ساخته شده است، که در برابر سایر نیازهای آنان فقط یک اقدام ناچیز شمار می‌رود. اهالی خواهان اقدامات

روستای "گلورا" در دهستان و بلیکچ از توابع بخش نمین، شهرستان اردبیل، در ۱۵ کیلومتری جنوب نمین و ۴۰ کیلومتری اردبیل، در منطقه‌ای کوهستانی واقع است.

جمعیت تقریبی روستا ۹۰۰ نفر (۱۳۰ خانوار) است. که اغلب کشاورز کم زمین و تعدادی نیز بی‌زمین هستند. هنوز تعدادی زمین‌دار، که ساکن تهران هستند، وجود دارد. آنها زمین‌ها را به روستائیان اجاره می‌دهند و هر ساله جهت دریافت محصول از کشاورزان بروستای آیند. این امر نشانگر اصلاحات ارضی "شاهانه" است، و به همین دلیل اصلاحات ارضی واقعی بیش از پیش ضرورت دارد.

درآمد مردم اکثراً از راه کشاورزی است، ولی کفاف احتیاجات آنها را نمی‌دهد، بطوریکه زنان نیز بجز کارهای خانه‌داری و رسیدگی به دامها، فرش هم می‌بافند، تا کمی به اقتصاد خانواده باشد. محصولات روستا عبارتند از: گندم، جو، عدس، گاو دانه، سیاه دانه، بونجه و شبدر، که قسمتی را خود مصرف می‌کنند و بخشی نیز بفروش می‌رود. خریداران اکثراً دلال و واسطه هستند و تولیدات را به قیمت ارزان می‌خرند.

ضمناً کشاورزی بصورت دیم است و از رودخانه‌ای که از وسط روستا می‌گذرد، تقریباً هیچ استفاده‌ای نمی‌شود.

امکانات رفاهی روستا بسیار محدود است، به طوریکه فقط یک مدرسه ابتدایی دارد و دانش آموزان پس از پایان این دوره و ادامه تحصیل، باید به روستای "تنه‌کران"، که مدرسه راهنمایی دارد، بروند. آنها در صورت توانایی ادامه تحصیل در دوره دبیرستان، باید به شهر اردبیل بروند، که اغلب از عهده مخارج سنگین آن برنی آیند و از ادامه تحصیل



شیوه پاکسازی در وزارت آموزش و پرورش نگران کننده است

در دوران قبل از انقلاب، کسب آموزش و پرورش به یکی از عرصه‌های مهم فعالیت ساواک و مبلغان و مداحان رژیم پهلوی مبدل شده بود. رژیم منغور میخواست اعتقاد به فرهنگ استعماری، نظام شاهنشاهی و انقلاب سفید آریامهری را در ضمیر پاک کودکان و نوجوانان بنشانند و از آنان انسانهایی فاقد عشق به توده‌ها و وطن، در خدمت نواستعمار، معتقد به نظام منغور شاهنشاهی و کیش شخصیت آریا - مهری بسازد.

برای حصول به این هدف، هم برنامه‌ریزان دست چپین شده آموزش و پرورش برای اجرای چنین برنامه ای انتخاب می‌شدند و هم ساواک در استخدام کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش دقت فراوان بکار می‌برد، تاحتی الامکان در خدمت به این اهداف پلید بکار آیند.

اما نیازها و ضرورت‌ها و قانونمندی‌های تکامل جامعه بر مراتب قوی تر از خواست رژیم بود، و به این جهت در میان کادر آموزشی کشور، انبوهی از مبلغان و دبیران و مدیران و مربیان سپین دوست، آزادپخواه، مترقی و ضد رژیم قرار داشتند، که نه مداح رژیم بودند، نه تبلیغات گمراه کننده آنها در هز کودکان و نوجوانان نشاندهند، نه خود را به آن رژیم سفاک فروختند و نه علیرغم خطرات با رژیم همکاری کردند، بلکه بعکس، هر کجا فرصت یافتند، بطور آشکار و نهان، کودکان و نوجوانان را به مقاومت در برابر جباران، به سلطه‌ناپذیری، به هم‌آوایی با خواست های زخمکشان فراخواندند، و همین قشر از کادر آموزشی وزارت آموزش و پرورش بوده خود با انقلاب همگامی داشت و دانش آموزان را به صحنه نبرد علیه رژیم پهلوی به خیابانها کشانید، که از درخشانترین برکهای مبارزات کودکان و نوجوانان ماست.

انقلاب به پیروزی رسید و پاکسازی عناصر ضدانقلابی و ساواکی، بعنوان یکی از وظایف مبهم انقلاب، در دستور کار قرار گرفت. امام خمینی بارها و بارها ضرورت پاکسازی را توصیه کردند، اما سیاست دولت کام به کام، مانع عمده در راه اجرای پاکسازی واقعی در دستگاه اداری، ارتشی و فرهنگی بود، که به میانه استفاده از تخصص و اینکه نمیتوان تمام کارمندان را از پشت میزها به خیابانها ریخت، ساواکیها و وابستان رژیم سابق بر سرپست های خود باقی ماندند و چه بسیار که، ترقی رژیم مقام هم یافتند.

در وزارت آموزش و پرورش، پاکسازی با کمال تاخیر، از آغاز با شیوه‌های نادرست و زیان بخش همراه بود و هنوز همراه است. در کنار پاکسازی عناصر ضدانقلابی، ساواکیها و طاعتی‌ها، که لازم و درست و بجا بود، مبارزهای دیگری هم برای پاکسازی انتخاب شد، که بطور عمده بر کاوش عقاید و مواضع سیاسی این افراد متمرکز بود، در نتیجه عناصر صریح انقلابی هم، که برچسب "غیراسلامی" بر پیشانی شان خورد، مشمول تصفیه شدند. از این تلخ تر آنکه، چه‌جا تنها چهارچوب مبنی از اسلام مهار قرار گرفت و به تشخیص این بالان مقام وزارت آموزش و پرورش، این بالان مامور پاکسازی، کسانی که در این چهارچوب نمی‌گنجیدند، مشمول تصفیه

قرار گرفتند و با درامتهای استخدامی رد شدند. به مورد مشخصی اشاره می‌کنیم. در دی ماه گذشته، نماینده امام، آقای

محمدتقی بشارت، به مدیرکل آموزش و پرورش باسوج نامه می‌نویسد و در مورد یک دختر جوان فارغ التحصیل دانشسرای مقدماتی، که استخدام او در آموزش و پرورش این شهردیده شده، تاکید میکند که:

"ایشان اقرار دارند که میتوانستند بر ایمان و اعتقاد دینی خود ثابت بمانند، بهر حال وضع ایشان را روشن بفرمائید چون شرایط زندگی خانوادگی او طوری است که میخواهد بار مخارج را بر دوش بگیرد و پدر پیر خود را هم یاری کند."

مدیرکل آموزش و پرورش در پاسخ می‌نویسد: "نامبرده به علت عدم آیدئولوژی اسلامی صلاحیت استخدامی ندارد." این نحوه پاکسازی، با مصالح انقلاب ستاین کامل دارد.

بنظر ما، پاکسازی انقلابی فقط یک معیار دارد، و آنهم درجه ایمان فرد به انقلاب و آمادگی او برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خدمت به اهداف انقلاب است. بجز این ضابطه، همه ضوابط دیگر نادرست و زیان بخش است.

محتوی انقلاب ما، ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی است. هر فردی که به این چارچوب مومن باشد و باین اهداف خدمت کند، حقی فعالیت و خدمت مشروع و قانونی در نظام جمهوری اسلامی ایران را دارد، و در غیر اینصورت، فردی ضدانقلابی است و باید پاکسازی شود. اگر پاکسازی بر شالوده این معیار انجام شود، بسود انقلاب است و بجز این، بزیان انقلاب.

اگر قرار باشد تعلق به ایدئولوژی واحد را معیار نیک ازید، صالح ازناصالح، انقلابی از ضد - انقلابی قرار دهیم، آسان است که هر عنصر ضد - انقلابی و هر مزدور ساواک و ناساز با انقلاب، به هیئت یک "مسلمان متعصب" درآمده، زیرپای خود را محکم کند و با حفظ مواضع خود، افکار زهر آکنده خویش را در مژ و قلب کودکان و نوجوانان ماجاری سازد.

آموزش و پرورش نیاز به معلم و مربی خوب دارد و معلم خوب، غیر از داشتن معلومات کافی، باید تجربه کافی هم داشته باشد. اگر معلم و مربی، هم از معلومات و تجربه کافی برخوردار است و هم معتقد و مومن به انقلاب، در اینصورت میتواند بر سر شغل خویش بماند، و مصلحت انقلاب نیست که یک معلم آموخته و پرپر و وفادار به انقلاب را، که هنوز سالیان دراز قادر به کار است، بجزم دگراندیشی، پاکسازی کند.

انقلاب ما باید باز آفرین فرهنگ ملی ما در پیوند با فرهنگ مترقی جهان باشد، دست بند و پایند را از دست و پای تکامل کشور بردارد و فرهنگ محض و نیمه جان کنونی را پویایی و خلافت ببخشد، و این جز بدست افراد مومن به انقلاب، مجرب و کارآزموده، امکان پذیر نیست. باید بتوان خادمان به انقلاب را، در هر لباسی که هستند و با هر مقوله‌ای که می‌اندیشند، باز شناخت و آنان را خدمت انقلاب گماشت، و نه آنکه بی دلیل آنان را خانه نشین ساخت.

پارلمان لهستان بررسی برنامه‌های دولت را آغاز کرد

خبرگزاری لهستان اعلام کرد که پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان برگزار شد. در این پلنوم، کتابچه به سمت چپین دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان انتخاب شد، و ادوارد گیرک بخاطر عارضه شدید قلبی، موقتاً از این سمت معاف شد.

از سوی دیگر سیم (پارلمان لهستان) برای بررسی برنامه‌های دولت تشکیل جلسه داد. یوزفیتکوفسکی، رئیس شورای وزیران لهستان اعلام کرد که مردم کاملاً از بازگشت اوضاع به حال عادی احساس رضایت میکنند. ییتکوفسکی گفت که باید کارهای بنیادی صورت بگیرد. شورای وزیران شروع به تنظیم برنامه‌های درازمدت کرده است و تدابیر اتخاذ شده، حل حادترین مسائل را دربر می‌گیرد. اصول اساسی، اولویت دادن به هدفهای اجتماعی و مشارکت فعال طبقه کارگر در اجرای برنامه‌هاست. افزایش دستمزدها ادامه خواهد یافت.

ییتکوفسکی، ضمن اشاره به برنامه‌های مربوط به بهبود اوضاع کشاورزی و سیاست‌های حزب متحد کارگری و حزب متحد دهقانی، تاکید کرد که همکاری اقتصادی، علمی، فنی و تجاری با اتحاد شوروی و کشورهای عضو شورای همکاری‌های اقتصادی برای لهستان ارزش فراوان دارد و باید از این همکاری کاملاً استفاده کرد.

نخست وزیر لهستان گفت که در برابر تلاش عوامل ضدسوسیالیست، که می‌خواهند در کشور خرابی کاری کنند، قاطعانه ایستادگی می‌شود. مردم لهستان اصول سیاست خارجی را که کاملاً بی‌نفع کشور است تایید می‌کنند. از جمله این اصول، دوستی با همسایه و دوست بزرگ لهستان اتحاد شوروی است.

کودتای بولیوی بی‌نتیجه انحصارات خارجی انجام شد

حکومت قانونی بولیوی برهبری "سواسو" نامزدی که در انتخابات ریاست جمهوری اکثریت آرا را بدست آورده است، اعلام کرده که تا پیروزی نهایی به مبارزه علیه دارودسته کودتاجی در کشور ادامه خواهد داد.

یک سخنگوی حکومت قانونی بولیوی، که بطور زهرزمنی فعالیت می‌کند، تاکید کرده که کودتاجیان پایگاهی میان کارگران، کشاورزان و روحانیون ندارند و اکنون ثابت شده است که کودتا بی‌نتیجه انحصارات خارجی صورت گرفته است.

دبیرکل حزب کمونیست پاراگوئه را در آرژانتین ربودند

کمیسیون سیاسی حزب کمونیست پاراگوئه، با انتشار بیانیه‌ای در پوشتوس آیرس، اعلام کرد که آنتونیو مایدانا، دبیرکل حزب کمونیست پاراگوئه، ماه گذشته در پوشتوس آیرس ربوده شد. کمیسیون سیاسی حزب کمونیست پاراگوئه اعلام کرده که سفر اخیر وزیر دفاع رژیم دست‌نشانده پاراگوئه از آرژانتین، احتمالاً به مسئله استرداد مایدانا ارتباط دارد. حزب کمونیست پاراگوئه از افکار عمومی جهان خواست که دولت آرژانتین را تحت فشار قرار دهند تا محل اقامت مایدانا، سپین پورت بزرگ پاراگوئه را مشخص سازد.

دیدار علمای مذهبی افغانستان از زیکستان شوروی

یک هیئت از علمای مذهبی افغانستان برای دیدار از جمهوری ازبکستان شوروی وارد این جمهوری شد. این هیئت در طول اقامت خود در ازبکستان شوروی، با پیشرفت‌های خلق ازبک آشنا می‌شود.

محمد حسن آرش، رئیس هیئت علمای مذهبی افغانستان، گفت که، تجارت گرانهای جمهوری ازبکستان برای افغانستان دموکراتیک اهمیت اساسی دارد. وی گفت که مادر این بازدید اطلاعات بسیاری از زندگی مسلمانان اتحاد شوروی بدست می‌آورد. محمد حسن آرش گفت که مسلمانان اتحاد شوروی شوروی در کمال آزادی مراسم مذهبی را بجا می‌آورند و آزادی مذهب کاملاً مورد احترام است. این هیئت افغانی تاکید کرده که ساختن زندگی مانند مسردم ازبکستان از روی طلائی همه کشورهای مسلمان است.

معاون شورای انقلابی افغانستان: دولت انقلاب برای مذهب احترام کامل قائل است

سلطان علی کشتند، معاون شورای انقلابی افغانستان، در مقاله‌ای در مجله مسائل صلح و سوسیالیسم نوشت: «هدف دولت انقلاب، دمکراتیزه کردن زندگی در کشور است.»

سلطان علی کشتند اضافه کرده است: «ساختن زندگی نوین در افغانستان بر اساس خصوصیات ویژه یک ملت مسلمان صورت می‌گیرد و دولت انقلاب برای مذهب احترام کامل قائل است.»

وی تاکید کرده است: «به اصطلاح مسئله افغانستان، موضوعی است که مخالفان انقلاب به آن دامن می‌زنند.»

سلطان علی کشتند افزوده است: «دولت افغانستان خواهان صلح است و آماده است با همسایگان خود، ایران و پاکستان، برای حل و فصل مسائل وارد مذاکره شود.»

از سوی دیگر بر او، از گمان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام کرد که هر روز حقایق نازمای در مورد کمک آمریکا و رژیمهای دست‌نشانده عرب به پاندهای افغانی بدست می‌آید.

بر او اضافه کرده است: «شعبه بانک آو عمان» در پشاور پاکستان، گشایش یافته. این بانک هزینه پاندهای افغانی را تامین میکند. آمریکا، عربستان و دیگر کشورهای دست‌نشانده عرب، به حساب این بانک پول می‌ریزند و رهبران به اصطلاح جمعیت اسلامی از این پول برداشت میکنند و با این پول هزینه جنگ‌افزارهای مردین تامین می‌شود.

از سوی دیگر گزارشی رسیده از افغانستان نشان میدهد که نیروهای مسلح افغانستان با کمک مردم، در مبارزه با اوباشانی که از پاکستان به کشور فرستاده می‌شوند، پیروزیهای هرچه بیشتری بدست می‌آورند. در چند مورد اوباشان داوطلبانه تسلیم شده‌اند.

اعتراض وسیع کشورهای مترقی منطقه علیه قرارداد آمریکا - سومالی

اعتراض کشورهای آفریقایی و کشورهای حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند به موافقتنامه آمریکا و سومالی، که طی آن رژیم سومالی موافقت کرده است پایتخت نظامی در اختیار نیروهای «کنسرسی» آمریکا قرار دهد، روز بروز گسترش می‌یابد. روزنامه‌های ترقی خواه بیروت اعلام کرده‌اند که امیرالیوم سومالی، با استفاده از پایتختهای خود در سومالی، کنیا و عمان و استقرار نیروهای مواکنسرسی در این پایتختها، قصد دارد که جنبش آزادیبخش ملی یا در منطقه سرکوب و منافع انحصارات غارتگر نفتی را حفظ کند.

بنوشته این روزنامه‌ها، واکنش از سوی دیگر پذیرفته است که سلاح‌های مدرن در اختیار رژیم سومالی قرار دهد و بدین ترتیب در اختلاف سومالی و اتیوپی آشکارا از سومالی حمایت کند. سیاست آمریکا در این زمینه با دستور سازمان وحدت آفریقا، در آن مرزهایی که هنگام استقلال یک کشورها آفریقایی بوجود آمده، «تقسیم‌ناپذیر» اعلام شده، کاملاً مغایرت دارد. اکنون امیرالیوم آمریکا، از ادعای ارضی رژیم سومالی نسبت به خاک اتیوپی کاملاً جانب سومالی را گرفته است.

از سوی دیگر وزیر خارجه اتیوپی اعلام کرد که موافقتنامه آمریکا و سومالی به آمریکا اجازه می‌دهد که از سرزمین سومالی برای استقرار «نیروی واکنسرسی» استفاده کند و این امر خطری بسیار جدی برای خاکیت کشورهای مستقل است.

وزیر خارجه اتیوپی گفت که امیرالیوم آمریکا بار دیگر تلاش دارد که «دیپلماسی کشتی توپدار» را بکار گیرد تا رژیم‌های نواستعماری را به خلقهای خاورمیانه آفریقا تحمیل و بدین ترتیب جنبش آزادیبخش ملی را سرکوب کند. تحت این شرایط، نیروهای ترقی خواه در منطقه باید مقوف خود را متسکانه بادتن مشترک خود مقابله کنند.

خبرگزاری آنگولا نیز تیانی آمریکا و سومالی را «نشانه آشکار توسعه‌طلبی آمریکا در جهان عرب» خوانده و اعلام کرده است که آمریکا می‌خواهد حضور خود را در شاخ آفریقا افزایش دهد، تا بتواند از طریق دریای سرخ و خلیج عدن به منطقه نفتخیز دسترس داشته باشد.



در جلسه یکشنبه مجلس:

مجلس کابینه‌ای را که در خط امام نباشد، تصویب نخواهد کرد
جامعه و انقلاب تحمل وضع بلا تکلیف فعلی را ندارد

در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس، که به ریاست حجت الاسلام رفسنجانی، در ساعت ۹ و ۴۵ دقیقه صبح تشکیل شد، اسامی افرادی که رئیس جمهوری می‌باشد شرکت آنها در کابینه جدید موافق است، اعلام شد. در ابتدای این جلسه، حجت الاسلام رفسنجانی در مورد سالروز ۱۷ شهریور از جمله گفت:

«۱۷ شهریور، روز تاریخی و افتخار آفرین برای ملت و تنگ و نفرت آفرین برای رژیم منحوس پهلوی و اربابانش بود. ملت ایران در این روز نشان داد که برای احقاق حق خویش از همه چیز و حتی جان خود می‌گذرد. رژیم با ارتکاب جنایت هولناک ۱۷ شهریور تمام پلها را پسترسر خود خراب کرد. آن قاجار رژیم را در وضعی قرار داد که تیراکی نه راه برگشت و آتشی وجود داشت و نه راهی برای ادامه بقای خود. مجلس مراتب تسلیت و تیریک خود را به خانواده‌ها و بازماندگان شهیدای عظیم الشان ۱۷ شهریور اعلام می‌کند.»

پس از سخنان رئیس مجلس، بررسی و تصویب طرح دوفوریتی عدم استفاده از تعطیلات تابستانی، که قرار بود در این جلسه صورت گیرد، بعلت اهمیت بررسی کابینه به کمیسیون امور داخله مجلس ارجاع شد. آنگاه حجت الاسلام رفسنجانی، متن نامه ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری و محمدعلی رجائی نخست وزیر را برای نمایندگان قرائت کرد.

رئیس‌جمهوری در نامه مذکور عدم مخالفت خود را با ۱۴ تن از وزراء اعلام کرده است. اسامی ۱۴ وزیری که مورد تصویب رئیس‌جمهوری واقع شده‌اند عبارتند از:

- ۱- وزیر آموزش عالی و فرهنگ دکتر حسن عارفی
۲- وزیر ارشاد ملی علی‌دوره زوزانی
۳- وزیر بهداشتی دکتر هادی منافی
۴- وزیر بهزیستی دکتر محمدعلی فیاض‌بخش
۵- وزیر پست و تلگراف و تلفن محمود قندی
۶- وزیر دفاع سرهنگ جواد کتوری
۷- وزیر راه موسی گلالتری
۸- وزیر شهرسازی و مسکن محمدرضا گنابادی

۹- وزیر صنایع محمدرضا نعمت‌زاده
۱۰- وزیر کشاورزی محمد سلامتی
۱۱- وزیر کشور حجت الاسلام محمدرضا مهدوی‌کنی
۱۲- وزیر مشاور و سرپرست شرکت فولاد ایران محمود احمدزاده

۱۳- وزیر نیرو حسن عباسپور
۱۴- وزیر مشاور در امور اجرایی بهزاد نبوی
محمدعلی رجائی نخست‌وزیر نیز در نامه خود اسامی کاندیداهای منتخب خود را برای وزارت اعلام کرده بود.

پس از قرائت این نامه‌ها، نمایندگان در این مورد به بحث پرداختند. از جمله اشکالاتی که نمایندگان به کابینه وارد می‌دانستند، این بود که چرا هیئت دولت کامل نیست؟ چرا نامه معرفی نمایندگان از جانب خود آقای رجائی نوشته نشده است؟ چرا اسامی وزراء زودتر در اختیار نمایندگان قرار نکرده است؟

پس از سخنان نمایندگان، آقای رجائی توضیحاتی پیرامون نحوه معرفی کابینه به نمایندگان داد و از جمله گفت:

«جامعه و انقلاب تحمل وضع بلا تکلیفی فعلی را ندارند... بنابراین زیاد مه به تشخیص گذاشتن و ایده‌آل فکر کردن چیزی است که از همان موقفت نسبی ما هم جلوگیری می‌کند. لذا بهتر است همین کابینه معرفی شود.»

پس از پایان سخنانی چند مخالف و موافق، رای گیری بعمل آمد و قرار شد که در جلسه روز سه‌شنبه، بحث و بررسی روی کابینه و برنامه دولت جدید انجام شود.

آنگاه حجت الاسلام رفسنجانی به مسئله عدم حضور بیش از ۴۰ تن از نمایندگان مردم، نقاط مختلف کشور در مجلس اشاره کرد و گفت:

«بهین جهت آئین‌نامه‌ای از جانب شورای نگهبان برای انتخابات قاطبی که وکیل در مجلس ندارند، از طریق وزارت کشور، به مجلس رسیده است. پیشنهاد می‌کنم بعلت فوریت مسئله، بحث تصویب و اجرای این قانون، که مدت محدودی را دربر می‌گیرد، به کمیسیون امور داخله ارجاع شود.»

پیشنهاد رئیس مجلس پس از بحثهای طولانی، که در موردی بعلت بی‌نظمی مکرر دکتر آیت منجر به اخراج وی از جلسه شده، به تصویب نمایندگان رسید و مدت اجرای این آئین‌نامه ۶ ماه معین گردید.

جلسه بعدی مجلس، که دستور آن بحث روی کابینه آقای رجائی خواهد بود، امروز (سه‌شنبه) ساعت ۸ صبح تشکیل می‌شود.

وزرای که از طرف آقای رجائی معرفی شده‌اند و در لیست آقای بنی‌صدر نامشان وجود ندارد، عبارتند از:

- علی‌اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش
موسی نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی
داودی برنامه و بودجه
اصغر ابراهیمی وزیر نفت
مهندس موسی وزیر خارجه
احمد توکلی وزیر کار

«میزان»، چه میزان در خط انقلاب ایران است؟

بالاخره روزنامه «میزان» پس از مدت‌ها تبلیغات بی‌خرج و گسترده در روزنامه‌ها و خیابانها، که طی آن انتشار آنرا بمرم نوبد میدادند، انتشار یافت و نخستین شماره این روزنامه صبح در ۱۶ شهریور ۵۹، در ۱۲ صفحه با قطع بزرگ، بدست خواننده رسید.

«میزان» در شرایط ویژه‌ای از تاریخ انقلاب ایران، پابرمه وجود می‌نهد، شرایطی که در آن مردم انقلابی کشورها، مسئولان صدیق جمهوری اسلامی ایران و نهادها و نیروهای انقلابی مدافع انقلاب ایران، هر لحظه در انتظارند تا با یورش گسترده قریب الوقوع امپریالیسم آمریکا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، قاطعانه به مقابله برخیزند، آماده‌اند و آماده میشوند تا این تلاش خائنه را نیز درهم کوبند.

«میزان» در شرایط «اجازه انتشار می‌طلبه» و دعا میکند که «خدمت هم‌آهنگی به صاحبخانه عرضه نماید، که «صاحبخانه»، یعنی توده‌های مردم ایران، خود در شدیدترین و حادثترین رزم تاریخ زندگی خویش علیه جنایتکارترین و غدارترین دشمن بشریت، یعنی امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، برای نیل به استقلال و آزادی، رفاه و سعادت، درگیرند و مردم، رهبر انقلاب و مسئولین صدیق جمهوری اسلامی ایران، همه قلمها و تفنگها را بسوی شیطان بزرگ آمریکا، دشمن اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، نشانه رفته‌اند.

بنابراین انتظار میرفت که «میزان»، که خود در شماره نخست خود دعا میکند که «میزان» قریب و سوسه‌ها و تزئینات شیطانی را «بخورد» و با تیر کردن و جبهت‌دندن مغرضانه به مسائل و حوادث، سقوط کند، همچون هر نشریه متهم و فادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در راستای افشای چهره امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، دعوت مردم به هتیار و اتحاد در قبال خطر اصلی و واقعی، فوری و جدی این دشمن اصلی و شیطان بزرگ و دفاع از مستضعفان در قبال مستکبران، حرکت کند و... اما آنچه که درست در «میزان» فراموش شده است، خطر امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های خطرناک آن است، و بالعکس آنچه که با «تزئینات شیطانی» و «تیر کردن» و «جبهت‌دندن» «خطرناک» رانمود شده است، دوستان انقلاب ایران و متحدین آنست!

در «میزان» از خطر امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های خطرناک آن اصلا سخنی نیست، اما یک صفحه کامل از این نشریه اختصاص به دروغهای نشریه انحصارات امپریالیستی آلمان یعنی «اشپیگل»

علیه انقلاب افغانستان دارد، که او خود نیز چون انقلاب ایران با توطئه‌های مشابهی روبروست. «نیوزویک»، نشریه مبلغ نظریات امپریالیستی آمریکائی نیز ۱۲ صفحه «میزان» را به تبلیغات سموم و کذب خود اختصاص داده است (ولی در «میزان» ذکر نشده که مقاله مربوطه از «نیوزویک» است!)

شماره نخست «میزان» از تشریهای که مصالح انقلاب بزرگ ایران را درک کرده باشد، تشان ندارد، بالعکس، «میزان» با کتمان کردن خطر امپریالیسم آمریکا و سکوت در قبال آن و نیز با انتشار تبلیغات امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و سوسیالیسم، تلاش دارد که افکار مردم ایران را منحرف کند و دشمن اصلی را از زیر ضرب خارج سازد و در نتیجه به زیان مصالح انقلاب عمل می‌کند.

این مش همان مشی است که لیرالها و دولت موقت، با پیروی از آن، غریبات جدی بر انقلاب ایران وارد ساخته مشی که توطئه‌های آمریکا را «فرسی» و مبارزه ضد امپریالیستی مردم را «فادانی»، «جسارت» و «حدت بیسابقه» می‌نماید و به مشی‌سازش کام به کام با امپریالیسم موصوف گردید. گردانندگان «میزان» خود اعتراف می‌کنند که «از همکاری برادران وابسته به نهفت آزادی ایران» بهره‌مند هستند، که خود تائیدی بر مدعای فوق است.

سرارسی دانش‌آموزان (موزان) زمینه سوءاستفاده ضدانقلاب را خنثی کنند و دشمنان انقلاب را تا کام سازند.

دانش‌آموزان مبارز و انقلابی! شما نیز باید همچون گذشته با تلاش و قداکاری و با هوشیاری انقلابی خود نگذارید تا در شرایط بسیار حساس کنونی کشور، ضدانقلاب در نقشه‌های پلید خود، یعنی تعلیل کلاس‌های درس در آغاز سال تحصیلی، موفق شود!

به گروههای «چپ» و «راست» افراطی اجازه ندهید که، دانسته و یا نادانسته، در کنار عناصر ضد انقلابی، مدارس را به آشوب گشایند!

کانون دانش‌آموزان ایران از همه دانش‌آموزان و بخصوص گروههای سیاسی متهم و انقلابی دعوت می‌کند که به منظور شناسایی ساختن تلاشهای مذبحانه ضدانقلاب و تحکیم صفوف انقلابیون، متحد شوند و با کنار گذاشتن اختلافات جزئی غیراصولی، با همفکری و همیاری یکدیگر، با تمام قوا از باز بودن کلاسهای درس و محیط آرام و سازنده آموزشی دفاع کنند.

کانون دانش‌آموزان ایران ۱۳۵۹/۶/۱۶

آشوب و سوءاستفاده ضدانقلاب بوجود می‌آورد.

لذا ما مسئولین آموزش و پرورش، والدین دانش‌آموزان و دانش‌آموزان انقلابی هشدار میدهم که مسئله بسیار جدی است، و از آنها می‌خواهیم که نگذارند اسباب نیز مدارس محلی برای سوء استفاده ضدانقلاب گردد. اکنون ضدانقلاب بی‌میرانه منتظر آغاز سال تحصیلی است، تا با همان شیوه قدیمی خود، یعنی ایجاد تشنج، و به کمک عناصر دست‌نشاندهای که در مدارس بجای گذاشته است، کانون‌های متعدد هرج‌ومرج و آشوب بیافرینند. در چنین شرایط حساس و سرنوشت‌ساز است که دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن حکم می‌کند، با برخورد مسئولانه به مشکلات و حفظ هوشیاری انقلابی، نگذاریم مدارس، همچون سال گذشته، عرصه ساخت و تاز عناصر ضدانقلاب و گروهکهای «چپ» و راست افراطی گردد.

مسئولین آموزشی می‌توانند با رفع سریع برخی از نارسائی‌ها، اتخاذ تصمیمات ضروری و منطقی، نظری خواهی از معلمان، اولیاء دانش‌آموزان و دانش‌آموزان درباره پارامی از مسائل، تأمین و رعایت حقوق دانش‌آموزان (از طریق تشکیل شوراهای مدارس و اتحادیه

قد دارد که روزهای اول ماه مهر تظاهرات و اعتصاب دانش‌آموزی راه انداخته، نگذارند که مدارس آغاز یکبار کنند.

از سوی دیگر برخی از گروههای سیاسی، آگاهانه یا ناآگاهانه، قصد دارند که به بهانه باز شدن دانشگاهها، این یا آن نارسائی آموزشی و یا برخی از تصمیمات ناصواب آموزش و پرورش، بعنوان اعتراض، کلاس‌های درس را تعطیل کنند.

ما همچون گذشته معتقدیم که در شرایط حساس کنونی هرگونه آشوب، اعتصاب و تظاهرات تنها و تنها بسود امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، و ضدانقلاب است.

باتوجه به بسیاری از مشکلات و نارسائی‌هایی که هنوز در آموزش و پرورش وجود دارد، که محترمین آن تغییر نیافتن نظام آموزشی و بدنالی آن متمیز نیافتن محتوی کتابهای درسی، کمبود جای مدارس، و یا ابلاغ برخی آئین‌نامه‌های نادرست، از جمله آئین‌نامه ۸ مادامی ثبت‌نام دانش‌آموزان (که درباره آن قبلا به شرح صحبت کردیم) و تصفیه بی‌مورد عدهای از مدیران و یا باز شدن دانشگاهها در آغاز سال تحصیلی و... است، زمینه مساعدی برای ایجاد هرج و مرج و

کانون دانش‌آموزان ایران:

از محیط آرام و سازنده در آموزش و پرورش دفاع کنیم!

نامه سرگشاده کانون دانش‌آموزان ایران به:

مسئولین آموزش و پرورش اولیاء دانش‌آموزان و دانش‌آموزان انقلابی سال تحصیلی را در شرایطی آغاز می‌کنیم که امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب - پس از شکست‌های پی در پی به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران - بدنالی وسیع‌های جدیدی می‌گردند. طبق اخبار موثقی که بدست ما رسیده، اسماال نیز، همچنان که از طریق رادیوهای توطئه‌گر امپریالیستی (بختیار، اویسی) مرتبا اعلام میشود و مزدوران امپریالیستی نیز دهان به دهان نقل میکنند، ضدانقلاب



دو رکورد شنای ایران شکسته شد

در جریان مسابقات انتخابی تیم شنای تهران، در گروه سنی ۱۳ و ۱۴ سال، دو شناگر موفق به شکستن رکوردهای ایران در رشته‌های ۲۰۰

مسابقات تشویقی ویژه برداری برای نوجوانان

از طرف فدراسیون وزنه‌برداری ایران اطلاع داده شد که، اولین سال مسابقات تشویقی وزنه‌برداری برای نوجوانان زیر ۱۸ سال، با شرکت ۵ منطقه، در شهر کرد، از روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۹ الیکشنبه ۵۹/۶/۲۳، انجام خواهد شد.

«برنارد هاینولت» فاتح مسابقات بین‌المللی فرانسه شد

در جریان برگزاری مسابقات دوچرخسواری ۲۶۰ کیلومتری فرانسه، که در آن قهرمانان ۲۰ کشور شرکت داشتند، برنارد هاینولت، قهرمان فرانسوی، موفق شد به مقام قهرمانی این مسابقات فتح کند.

تیم بسکتبال جوانان شوروی قهرمان اروپا شد

تیم بسکتبال جوانان اتحاد جماهیر شوروی به مقام قهرمانی اروپا دست یافت. تیم جوانان شوروی در دیدار نهایی موفق شد که در رقابت نزدیک، را شکست دهد.

فقیه عالیقدر آیت اله منتظری..

بقیه از صفحه ۱

کشاورزی و دامپروری، بازرگانی و امور مالی، خدمات اجتماعی نظیر پزشکی و غیره است. زبان این امر، به ویژه در شرایط کنونی، که دشمن اصلی ما امپریالیسم، بسرگردی امپریالیسم آمریکا، به محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران دست زده و همه نیروهای جهانی خود را علیه آن بسیج کرده است، برانگیزد، برانگیزد و مهتر است.

زبان تطبیل دانشگاهها در نوبت اول متوجه تطبیقات مستقیم کشور است که امکان فرستادن فرزندان خود را برای ادامه تحصیل به خارج ندارند و در حقیقت نباید هم بفرستند. اعزام دانشجو به کشورهای امپریالیستی، علاوه بر زبان مستقیم مادی (خروج میلیونها دلار ارز کشور در سال) زبان معنوی نفوذ فرهنگ متحط بورژوازی را نیز بدنبال دارد، که معایر و طبقه تاریخی انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی یعنی تأمین استقلال مادی و معنوی و خودکفائی واقعی جمهوری اسلامی ایران است. در عین حال تطبیل دانشگاهها سبب گسترش ناراضی در نسل جوان کشور، در بخش فرهنگیان، استادان و دانشجوهای میشود، که این نیز بیچون و چرا در صلاح جمهوری اسلامی ایران نیست. بررسی همهجانبه نشان میدهد که بدانجا کشیدن تطبیل این مراکز عالی علم و هنر از هر حیث بزبان

رئیس جمهوری...

بقیه از صفحه ۱

امیر قدرت آمریکا را از خیال توطئه منصرف کند و ایادی او را در منطقه از توطئه سازی برسد ما منصرف کند. به سدا حسین و نوکرهای داخلی امیر قدرت آمریکا بگوید، این امواج بیگانه انسان، هوشیار و آگاه، مسمم بهادانه راه انقلاب و استوار در حفظ جمهوری اسلامی ایران است.

بر روی رخت دیگری از سخنان خود بر لزوم رفع ممانعتی که جامعه ما با آن دست بگریبان است تا کفایت کرد و لزوم برخورد جدی به مسائلی چون: وضع مستضعفان، برنامه دولت، امنیت کشور، اقتصاد کشور و مسائلی که فعالیتها و انقلابها متذکر گردید. رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود لزوم وحدت همه مردم ایران را گوشزد کرد و از جمله گفت: حضور متحده همه مردم این سرزمین در محاسبات بنای جمهوری و ضمانت پیروزی ما و شکست توطئه های دشمن است. نه سدا حسین یا حضور شما در صحنه، نه آریاب آمریکائی او، نه آن ایادی توان یافته رژیم پشیمان، هیچیک از آنها و توطئه های آنها بجائی نخواهد رسید.

رئیس جمهوری در پایان گفت: «باید بدانیم که در این کشور ما که من خطر اصلی را آمریکا میدانم، خطر اول را توطئه های آمریکا میدانم، توطئه های آمریکا برای ایران میدانم و افشاکاری را در رابطه با آمریکا کردم.» در این مراسم اعضا و هواداران حزب توده ایران نیز شرکت داشتند.

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. جهت تحولات مترقی در اصول آموزش خیلی از علوم دقیقه، فنون مهندسی، تکنولوژی و غیره را می توان در مدت نسبتاً کوتاه (مثلاً در یک تعطیلات تابستانی) معین کرد. اجرای این امر در مورد علوم اجتماعی (یا علوم انسانی) بر حسب طبقاتی این دانشها احتیاج به وقت و دقت بیشتری دارد. این تقسیم بندی در مراحل آموزش پائین تر از دانشگاه نیز تقریباً صادق است. لیکن در این امر نیز میتوان و باید سرعت بیشتری را بخرج داد و پیروزی تحول بنیادی را زودتر بانجام رساند.

با در نظر گرفتن این جهات بود که فقیه عالیقدر آیت الله العظمی منتظری، در خطبه اول نماز جمعه ۱۴ شهریور در قم، ضمن طرح چند مسئله مهم روز، با اشاره به لزوم انقلاب فرهنگی بویژه تأکید کردند که: «اگر دانشگاهها تطبیلی طول بکشند و معلم و دانشجو در دانشگاهها نباشند، فاجعه است برای کشور ما.» آیت الله منتظری خطاب به هیئت ۲ نفری که از طرف رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، مسئول تدوین طرح انقلاب فرهنگی شده اند، خواستند که سرعت بخرج دهند و «انقلابی این طرح را تهیه کنند» تا «دانشگاهها زودتر شروع بکار کنند و دانشجویان عزیز مشغول تحصیل علم و کمال بشوند.» این خواست همه مردم رزمنده کشور است. در راه تحقق آن همه باید بکوشند.

گفت: «ما وارث خون شهیدان شدیم. اما به آرمان شهیدان عمل کرده ایم و میکشیم یا نه؟ آرمان شهیدان، استقلال آزادی و جمهوری اسلامی بود، مسا و استقلال و آزادی را در قالب نظام جمهوری اسلامی و در حد ممکن بزمست آوردیم. اما میدانید که گرگهای درنده و دشمنان غدار از هر طرف در کوشیدند، آنها چه میخواهند؟ می خواهند کارائی ما را برای یک حمله مجدد از ما بگیرند... می خواهند مارا سرگما کنند به خواسته های کوچک... دشمن سعی می کند فقر اقتصادی ما، بیکاری ما، کمبود مواد غذایی ما، نداشتن امکانات رفاهی ما را مرتب به رخ ما بکشد، دشمن سعی می کند قدرت خود را در چشم ما بزرگ کند... امروز دست شما پر است، امروز شما میلیونها انسان مسلح و ریا آماده برای مسلح شدن دارید، امروز شما منطقه حساسی از جهان را در اختیار دارید... امروز آمریکا با شما چه می تواند بکند؟ دشمن امروز با شما چگونه میتواند دست و پنجه نرم کند، امروز دشمن از شما شکست خورد، والله امروز هم دشمن از شما شکست خواهد خورد. امام دقیقاً بر روی همین نکته تکیه کرده اند. که این نکته بتدریج دارد از یاد بعضی از مردم ما و مسئولین ما میرود، وی در پایان سخن تأکید بر تشکیل هر چه سریعتر کابینه گفت: «فوزی ما، دانه دانه باید کسائی باشند که برای این انقلاب حاضر باشند جان بدهند. باید دولت، دولتی باشد که بتواند به مردم ثابت کند که وفادار به آرمان شهیدان است...»

نوشته ای از یک شهید گمنام جمعه خونین، که اشک بچشم می آورد

«اگر کشته شده، دستم را از قابوت بیرون بگذارید، تا مردم بدانند که همراه خود چیزی نمی برم. چنانچه را بزرگ بگذارید تا ببینند که کورگوراه کشته نشدم. پرخاکم بخ بگذارید، تا بجای مادر، که ندارم، بر مزارم بگریزم»

میدان شهیدان شما و شهیدان شما را گوید همان دشمنی است که امروز میخواهد ایران را بکوبد. امروزم آمریکا، اسرائیل، مزدوران خارجی، یهودیان کفر، فاجعه کریمای ۱۷ شهریور را بوجود آوردند و امروز همه آنها در آسوی مرزها زندانند، امروز هم ما هدف و آماج گلوله های هسته که آمریکای قارتگر، جنایتکار و اسرائیل و مزدورانش بمبوسی ما تشنه رفته اند. یادتان نرود که دشمن ماهمان دشمن است. امام جمعه تهران افزود: «سر یازان و افسران اسرائیلی که برای این جنایت بزرگ به ایران آمده بودند، هر کدامی نام و نشان دارها به نحوی به سزای ارمال خود رسیده اند و خواهند رسید. اما سلسله جنیان فاجعه های پردویی و خونین یعنی پنجه مظلوم کش و انسان برانداز آمریکا همچنان آماده است تا حلقوم این ملت را با زهرم بشارد. دشمن همان دشمن است و شامم باید امروز همان مردم باشد و هستد...»

جناب الاسلام خاتمه ای با اشاره به جنبه دیگر تبلیغات و خرابکاری های مزدوران امپریالیسم آمریکا

حجت الاسلام...

بقیه از صفحه ۱

را تا آخرین قطره خون خود ادامه دهند.

مراسم دومین سالگشت جمعه خونین دیروز صبح و بعد از ظهر در تهران برگزار شد. در ظهر صبح که در بیست و نه نفر از مردم تهران بر گزار شد حجت الاسلام خاتمه ای سخن گفت و در مراسم بعد از ظهر رئیس جمهوری سخنانی ایراد کرد. مراسم صبح دیروز در ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه با پیام امام خمینی رهبر انقلاب آغاز شد. پس از آن پیام آقای نخست وزیر بمناسبت ۱۷ شهریور قرائت گردید و آنگاه چند تن از یازماندگان شهیدان سخنانی گفتند. در پیام خواهی یکی از شهیدان گفته شد: «ما امروز سلاح بردوشی آماده ایم تا کربلائی بزرگتر بوجود آوریم و آمریکائی جنایتکار را به زیاده دان تاریخ بیفکنیم»

در بیان سخنانی ما مردم یکصد و شصت و هفت به پشتیبانی از امام خمینی و علیه امپریالیسم آمریکا می دادند. آنها فریاد میزدند: «تمام خاک ایران فیضیه، دانشگاه لرزاز این دوستگر بر یکسر آمریکاست»

در مطبوعات کشور

دیپلماسی سالوسانه

امپریالیسم آمریکا و متحدین و دست نشانده گان وی در منطقه توطئه وسیعی را علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیدند. حملات اخیر عراق به نقاط مرزی ایران، و نقل و انتقالات نیروهای آمریکائی در آبهای خلیج فارس، و حملات این عملیات، از عمق و وسعت توطئه های خیر میبند که بر تریه دیگر دست نشانده گان آمریکا، یعنی پاکستان، عربستان سعودی، ترکیه و مصر و غیره نیز در آن شرکت دارند - دولت مصر، تعدادی هواپیمای فاتوم، که گتتمنی - شود با اموال غارتی شاه ملعون خریداری شده، در اختیار عراق قرار داده است. در چنین شرایطی، که مطابق برداشت صحیح معنات ارتش ایران، این اقدامات و از جمله حمله مهاجمین عراقی و نقل انتقالات نظامی آمریکا از یک کانون هدایت می شوند، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحد، سالوسانه باز موضوع گروگانهای جاسوسان را که به ادعای وی، ایران با خودداری از آزاد ساختن ایشان، گویا به سپهرهای رفتاری دنیای متحدین تجاوز کرده است. همین می کند وی بزرگترین اظهار عجز دارد که آمریکا از هر وسیله ای برای کمک به آزادی گروگانها استفاده کرد و از جمله این مسائل قانع ساختن اعضای مجلس اسلامی ایران باین ولایت است که ادامه اسارت گروگانها بمنافع ایران و آمریکا زبان وارد خواهد ساخت. این سخنان نیز در جهت آهت که «اشغال سفارت آمریکا از سوی دولتک بین المللی و سازمان ملل متحد و علا تمام ملت همه محکوم شده است»

این سخنان دیپلماتیک از جانب سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در کنفرانس و شامه کشیدن هی متاکون و عرض اندام ناوگان عظیم جنگی ایالات متحد، و پیاده کردن یک هزار و هشتصد تکنیکار و آماده نگه داشتن هزاران سرباز دیگر، برای تجاوز آشکار و علنی به جمهوری اسلامی ایران، یعنی نظامی که حقانیت خود را کانون یا هدفان یا تقدیم شهیدای بیست و آماده است. تباکن نهایت سالوسانه است. در حالیکه ما اکنون رویداد طیس را که طی آن ایالات متحد منظور اقداماتی بس وسیعتر از رها ساختن گروگانهای جاسوس، دست به عملیات گسترده تر زد پشت سر داریم در حالیکه توطئه کودتای ۱۸ تیرماه را از سر گرفته اند، این که طی آن، محترکین دنیای متحد، اقداماتی را سازمان دادند که می توانست بقتل میلیونها انسان بیانجامد، و آقایان میلیون تمدن آمریکائی نشان دادند که از چنین جنایتی هم درگرفتن نیستند. در چنین حالتی، سخنگوی وزارت خارجه آقای کارتر اعلام میکند که آمریکا از هر وسیله ای برای فراهم ساختن مسوولیت آزادی گروگانها استفاده خواهد کرد، و از جمله این وسائل «قانع ساختن اعضای مجلس شورای اسلامی باین ولایت است که ادامه اسارت گروگانها به منافع ایران و آمریکا زبان وارد میسازد اما از چه زمانی، این آقایان یانکی به منافع ایران علاقه پیدا کرده اند و این چگونه علمی است که در عین حال، هم به منافع ایران و هم به منافع آمریکا زبان وارد میسازد این، در واقع نوعی تقاضا است زیرا منافع مردم ایران - چیزی که از نظر ما مهم است - تاکنون همواره با منافع دولت آمریکا - چیزی که از نظر دولت آمریکا و وزارت خارجه اش اهمیت دارد - در تضاد قرار داشته اند. در رابطه با ایران آنچه برای دولت آمریکا مفید بوده، یعنی بطور عمده مناسبت بسیار دوستانه و بسیار محکم، یا بهتر بگوییم مناسبت آفاقی و نوکری با رژیم فاسد شاه ملعون، برای مردم ایران بسیار زیان بخش، و عامل آسایش قری و بیبختی مستضعفین بوده است و برعکس، آنچه برای مردم ایران بسیار مفید بوده، یعنی پیروزی ایشان در انقلاب پرشکوهرین در ۲۲ بهمن ۵۷، درست همان چیزی است که برای دولت ایالات متحد بسیار زیان بخش بوده و عامل آسایش مناسبت کثونی است. که دولت ایالات متحد به بدان حالت ننگاره همین انقلاب است. اما آقای سخنگوی وزارت خارجه آمریکا که از «تجاوز ایران به معیارهای رفتاری دنیای متحدین سخن می گوید» ظاهراً فراموش میکند که جاسوسی دیپلمات های وزارت خارجه آمریکا در ایران هم با معیارهای رفتاری اعلام شده دنیای متحدین مغایر بوده، و تازه این آخرین رسوائی ایالات متحد در برابر ایران نیز نبوده است. شرکت آمریکائی ها، در عملیات جاسوسی گروه های کشوری مدرسه اندیشه، کمک ۵۰۰ میلیون دلاری سیا به دایره اسقفی اصفهان که از مراکز جاسوسی انگلستان و اسرائیل بوده، بمنظور پخش در میان پرسنل ارتش ایران و تکرار ماجرای ۲۸ مردانه و سرانجام انجامه عملیات جاسوسی بهمان وسعت، در جاسوس خانه دیگری تحت پوشش یک شرکت آمریکائی، که روزنامه ها خورش را در بیستم مرداد دادند، همه و همه اقدامات دیگری هستند که آشکارا دشمنی دولت ایالات متحد را با مردم ایران ثابت میکند و در جهت شرایطی، بیچون و چرا نمی توان منافع ایران را یا منافع ایالات متحد در یک ردیف قرار داد. در واقع، اظهارات دیپلماتیک سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحد نیز جزئی از توطئه ایست که امپریالیسم آمریکا برای شکست کشاندن انقلاب اسلامی ایران تدارک دیدند. این مسلم است که مردم ما، قریب این دیپلماسی سالوسانه را نخواهند خورد و هر چه متحدتر، برای خشن ساختن هرگونه توطئه امپریالیسم، ایستادگی خواهند کرد.

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحدی بانکی به نام کمیته من و به شماره ۳۲۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شامه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیرازند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

ام ناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم پسرانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مرم انقلابی است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

شهرت از شهر کرد ۱۰۰۰ ریال
حسین از شهر کرد ۵۰۰ ریال
م - ص ۳۰۰۰ ریال
از همزیجان ۲۵۰ ریال
سازمان حزب توده ایران در شهر کرد ۲۰۰۰۰۰ ریال
(تیرماه) ۳۱۷۰۰ ریال
سازمان حزب توده ایران در شهر کرد (مردان) ۳۱۵۰۰ ریال
علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحدی بانکی به نام کمیته من و به شماره ۳۲۳۲۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شامه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیرازند.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندی کانی) ضرورت انقلاب ایران است